

## در باره نشریه جنبش کارگری درهمین صفحه

درباره نشریه جنبش کارگری  
پس از برگزاری مجمع عمومی  
کمیته هماهنگی برای کمک به  
ایجاد تشکلهای کارگری ، هیئت  
اجرایی تصمیم گرفت در  
راستای اهداف کمیته و جنبش  
کارگری ، نشریه جنبش کارگری  
را بعنوان يك نشریه تبلیغی،  
آموزشی و خیری منتشر نماید.  
برای اینکه بتوانیم این نشریه را  
واقعا در راستای اهداف جنبش  
کارگری منتشر نماییم ، ضروری  
است فعالین جنبش کارگری ،  
چه در کمیته هماهنگی...و چه  
خارج از آن با ما همکاری نموده  
و در ارسال اخبار، گزارشات ،  
مقالات و پخش نشریه ما را  
یاری نمایند.

ادامه در صفحه 2

افق جنبش کارگری در سال 87  
صفحه ۲۵  
اخبار و گزارشات صفحه ۵  
گزارش مجمع عمومی سوم  
کمیته هماهنگی .... صفحه ۷  
در آستانه اول ماه مه سال 87  
چرا در مراسم روز اول ماه مه  
باید شرکت کنیم؟ صفحه ۲

آدرس تماس با  
کمیته هماهنگی:

[Komite.hamahangi@yahoo.com](mailto:Komite.hamahangi@yahoo.com)

کارگران جهان متحد شوید

کارگران این نشریه متعلق به خودتان است و لذا در راستای تقویت آن ما را یاری نمایید. ما سعی داریم نشریه جنبش کارگری هم بازتابی باشد از جنبش طبقه کارگر و هم چراغی باشد در مسیر پیشرونده جنبش کارگری. اگر هر کدام از ما کارگران بتوانیم اخبار و گزارشات مبارزات کارگران را و همچنین آموزش های لازم به هم طبقه ای هایمان را به درون کارگران ببریم، گام بزرگی در راستای اتحاد و همبستگی جنبش کارگری برداشته ایم. باید بدانیم چگونه ممکن است متشکل شویم؟ چگونه ممکن است بیکدیگر کمک کنیم؟ چگونه اعتراضات دسته جمعی در مقابل تهاجم سرمایه داری به سفره کوچکمان انجام دهیم؟ چگونه در مقابل قراردادهای موقت و سفید امضا اعتراض نماییم؟ چگونه میتوانیم اعتراض و اعتصاب موفقی داشته باشیم؟

چرا هر روز فاصله طبقاتی بیشتر می شود؟ و بالاخره راه برچیدن این همه بی عدالتی، فقر، بیکاری، سرگردانی و... چیست؟ نشریه جنبش کارگری تلاشی است در این راستا و این تلاش موثر واقع نخواهد شد مگر با همت و یاری شما کارگران آگاه.

همچنین نشریه کارگر پیشرو از این پس با انحلال خود تمام توان و امکاناتش را در اختیار این نشریه قرار داده که طی اطلاعیه جداگانه ای اعلام خواهد شد.

همچنین پس از ایجاد کمیسیون زنان که در مجمع عمومی به تصویب رسید و بر اساس تصویبیه هیئت اجرایی، از این پس يك ستون و در واقع بخشی از نشریه در اختیار کمیسیون زنان و همه زنان کارگر قرار خواهد گرفت تا در راستای اهداف مشترك جنبش کارگری و جنبش زنان به کار گرفته شود.

**گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر**

## در آستانه برگزاری اول ماه مه سال ۸۷

یکبار دیگر در آستانه برگزاری مراسم اول ماه مه سال ۸۷ قرار گرفتیم. روز جهانی کارگر هر سال با شکوهتر و وسیعتر از سال قبل در سراسر دنیا برگزار می گردد. در این روز میلیونها کارگر به خیابانها می آیند تا به سرمایه داری نه بگویند و نوید بر پایی دنیایی بهتر را بدهند. هر چند هنوز ما پراکنده و جدا از هم هستیم اما در این روز ثابت می شود که فارغ از تفاوت‌های ملیتی و نژادی و با وجود مرزهای کاذبی که بین ما ایجاد شده است قادریم با همبستگی و مبارزه ای متحد در مقابل سرمایه داران بایستیم. اگر در این روز ممکن است که کارگران در اقسا نقاط دنیا به خیابان بیایند و اعتراضشان را به سرمایه داری نشان دهند حتما ممکن است ، در دیگر روزهای سال نیز مبارزه و همبستگیشان را ابراز دارند. مبارزه طبقاتی ما کارگران به

این روز خلاصه نمی شود و فقط در این روز تبلوری از مبارزه اردوگاه بزرگ و جهانی کار در مقابل سرمایه بوجود می آید . از سوی دیگر در کشور ما بدلیل ممانعتها و سرکوبها برگزاری مراسم این روز به دشواری انجام می شود. اما نباید تصور نماییم که برگزاری مراسم این روز هر چند محدود بی تاثیر خواهد بود. در چند سال گذشته برگزاری مراسم روز کارگر در تهران و کردستان به خیابانها آمده و با وجود سرکوبها و مشکل اطلاع رسانی از دامنه نسبتا خوبی برخوردار بوده است. فعالین کارگری در دیگر شهرها نیز می توانند مراسم این روز را با توجه به شرایطشان و مسئله توازن قوا برگزار نمایند. نباید تصور گردد که برگزاری مراسم این روز در سالن ویا گلگشت و پارک بی تاثیر است . این شکل از برگزاری در نهایت و در تداوم خود، با افزایش شرکت کنندگانی که در آینده به خیابان خواهند آمد نتیجه می دهد و

این راهی طولانی و بعید نیست.

در این روز زمین زیر پای سرمایه داران در تمام دنیا می لرزد و کارگران گوشه ای از نیروی همبستگی جهانی‌شان را نمایش می دهند. با تشدید تضادهای طبقاتی در دنیای سرمایه داری ، بیش از پیش زمینه برای پیشروی طبقه کارگر فراهم شده است . در ایران این امر با شکل پذیری کارگران گره خورده و در این کشاکش طبقاتی اگر ما قادر باشیم خودمان را سازمان دهیم و متشکل شویم ، می توانیم هر روز را به روز کارگر تبدیل نماییم.

\* \* \*

**چرا در مراسم روز کارگر ( اول ماه مه ) باید شرکت نماییم؟**

( نقل از بولتن شورای همکاری تشکلهای و فعالین کارگری - به مناسبت اول ماه مه )

سرمایه داران که هر روز بیشتر گلوی ما کارگران را می

فشارند و ذره ذره زندگی ما را برای منافع خود خرج می کنند، دارای همه گونه امکانات رسانه ای و تبلیغاتی و انواع احزاب و ارگانها ابراز نظر در جامعه هستند. اما ما کارگران از ابتدایی ترین امکانات برای ابراز نظرو طرح مطالبات محرومیم. ، هیچ رسانه جمعی در اختیار ما نیست تا بگوییم که چگونه قراردادهای موقت ما را به تباهی کشانده است. روزنامه و نشریات رسمی نمی گویند که بیکاری چه بلای خانمان سوزی است . ما حتی فاقد محل و مکانی هستیم که بتوانیم دور هم جمع شده و در باره ی مطالباتمان بتوانیم حرف بزنیم. درد دل‌های ما را در گلو خفه می کنند تا میداد ما با هم متحد شویم و صدای رسایی را بوجود بیاوریم. اما در روز اول ماه مه ( روز کارگر) ما همه این سدها را کنار میزنیم و چون تن واحدی به خیابان می آییم و هر آنچه را که در گلو خفه شده است ، برای دیگر هم طبقه‌های هایمان فریاد میزنیم. ما مطالبه ایجاد

تشکل ، لغو قراردادهای موقت ، توقف اخراجها ، دستمزد مکفی و انسانی ، امنیت شغلی و ... فریاد میزنیم. ما به خیابان می آییم تا نوید دهیم که زندگی فارغ از این همه مصائب بشری ممکن است، ما به خیابان می آییم تا بگویم ما هم انسانیم و برخوردار از رفاه حق ما است. ما به خیابان می آییم تا بگویم فقر تحمیل شده به ما انباشت ثروتهای کلان و بی حد و حساب سرمایه داران است. و بالاخره ما به خیابان می آییم تا بگویم زندگی دیگری ممکن است و با همراه شدن همه کارگران می توانیم آن را بسازیم.

\* \* \*

### **اخبار و گزارشات کارگری :**

بیش از ده روز است که کارگران کارخانه کیان تایر (لاستیک سازی البرز) ، در اعتراض به تعویق افتادن دستمزدهایشان دست به اعتصاب زده و در مقابل کارخانه تجمع نموده اند. اما با گذشت این مدت نه تنها

به اعتراض آنها رسیدگی نشد بلکه با یورش نیروهای انتظامی تعدادی از آنها بازداشت شدند. در شرایطی که تورم افزایش می یابد و ما کارگران هر روز بیشتر از پیش تحت فشار قرار می گیریم، آیا سهممان از از دنیایی که می سازیم بازداشت و سرکوب است؟ آیا ما کارگران حتی حق نداریم به عدم پرداخت دستمزدمان نیز اعتراض نماییم؟ کارگران کیان تایر اعلام نموده اند تا رسیدن به مطالبه پرداخت دستمزد معوقشان دست از اعتراض بر نمی دارند و در مقابل تهاجم مدافعان سرمایه اران از پای نمی نشینند. همچنین بسیاری از کارگران این کارخانه بر ضرورت ایجاد تشکل کارگری که بتواند آنها را متحد نماید، تاکید داشتند و در این مورد با دیگر کارگران کارخانه گفتگو می کردند. ما نیز به سهم خویش امیدواریم کارگران برای رسیدن به مطالبات بر حق خود بتوانند تشکل مناسب و مورد نظرشان را ایجاد نمایند. این تنها راهی

است که ما کارگران را در مقابل سرمایه داران که هر روز بیشتر به سفره ما چنگ اندازی می کنند، قوی و متحد مینمایند. تعدادی از کارگران کارخانه ایران صدرای بوشهر چند ماه است که از کار بیکار شده اند و بارها در اعتراض به اخراجشان در مقابل کارخانه تجمع نموده اند، اما تا کنون به مطالبه بازگشت بکارشان رسیدگی نشده . کارگران ایران صدرا تنها راه به نتیجه رسیدن را ادامه اعتراضشان می دانند. آنها تا کنون موفق شده اند صدای اعتراضشان را بگوش بسیاری از مردم برسانند و مسئولین نیز که از همین مسئله هراس دارند وعده هایی به آنها داده اند ،اما تاکنون به آنها عمل ننموده اند. ما ضمن محکوم نمودن اخراج کارگران ایران صدرا بر تداوم مبارزه و اعتراضات آنها تاکید می نمایم.

ادامه اخبار در صفحه 53  
\* \* \*

## فراخوان کمک مالی به کمیته هماهنگی ....

کارگران، رفقا و فعالین کارگری! کمیته هماهنگی ... در راستای پیشبرد اهداف جنبش کارگری در این مقطع با مشکل مواجه شده و نیاز به کمکهای مالی شما دارد . کمکهای خود را از هر طریق ممکن به دست ما برسانید و در این راه ما را یاری نمایید.

## هیئت اجرایی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

نان ، مسکن ، آزادی

## گزارش مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

در تاریخ 87/1/23 مجمع عمومی کمیته هماهنگی... با حضور حدود 100 نفر از اعضا و مهمانان برگزار گردید. تعدادی از اعضا نیز که به دلایلی نتوانسته بودند در مجمع شرکت کنند با دادن وکالت به بعضی از اعضا بطور غیر مستقیم در مجمع شرکت داشتند.

ابتدا مجمع با يك دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی طبقه کارگر و سپس تبریک به مناسبت آزادی محمود صالحی، با تأکید بر نقش ارزنده ی " کمیته ی دفاع از محمود صالحی"، شروع بکار نمود و سپس مباحث زیر به ترتیب در دستور کار قرار گرفت:

1- گزارش هیئت اجرایی و بحث در مورد آن

2- سازماندهی جدید و بحران  
کمیته هماهنگی ...

3- بحث در مورد اساسنامه  
پیشنهادی

4- انتخاب هیئت اجرایی جدید  
سپس، گزارش هیئت اجرایی توسط یکی از اعضای آن به مجمع داده شد. در این رابطه نقاط قوت و ضعف هیئت اجرایی مورد بحث قرار گرفت تا در آینده از این تجربیات استفاده شود. بطور کلی شرکت فعال کمیته هماهنگی در شورای همکاری، فعالیت در راستای برگزاری مراسم اول ماه مه سال گذشته، فعالیت و تلاش برای پایان دادن به بحران کمیته هماهنگی از جمله نقاط قوت هیئت اجرایی بود که به آن اشاره شد، در این گزارش هم چنین با اشاره به شرکت اعضا در برخی از اعتراضات کارگری، کم کاری و ضعف کمیته در کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از جمله نقاط ضعفی بود که مورد اشاره قرار گرفت. حاضرین پس از استماع جمعبندی و گزارش مختصر

هیئت اجرایی، آن را مورد انتقاد قرار داده و بعضی از اعضا آن را ناکافی دانستند. همچنین کم کاری بعضی از اعضای هیئت اجرایی نیز مورد انتقاد قرار گرفت.

در مورد سازماندهی و بحران در کمیته هماهنگی مدت زیادی بحث شد. بعضی از اعضاء با اشاره به طولانی شدن مباحث جاری در کمیته، پرداختن به چنین مباحثی را جزو دستاوردهای کمیته دانسته، چرا که طرح آن مباحث موجب مرزبندی با نگاه انحرافی در کمیته ی هماهنگی شد. اما ادامه ی بیش از حد بحران و تاخیر در برگزاری مجمع عمومی باعث شد تا نیروی کمیته هماهنگی تا حدود زیادی گرفته شود و نتواند جایگاه واقعی خود را در جنبش کارگری داشته باشد. بعضی از اعضاء نیز بر غیر ضروری بودن و طولانی شدن مباحث معترض بودند و بر ضرورت قرار گرفتن کمیته هماهنگی در بطن جنبش کارگری تاکید داشتند. بسیاری

از اعضا بر این مسئله که می بایست بحران را تمام شده دانست و بجای پرداختن به مجادلات فکری، با اعضایی که عملا از کمیته هماهنگی خارج شده اند، بر ضرورت حضور در اعتراضات کارگری در راستای کمک به ایجاد تشکل های کارگری تاکید داشتند.

اعضا بر ضد سرمایه داری بودن تشکل تاکید داشته و تعبیر غلط اعضای خارج شده از کمیته را مورد نقد قرار داده و در حد زمان ممکن به آن پرداختند. هم چنین تفاوت کمیته هماهنگی با احزاب و تشکلهای رفرمیستی از جانب بعضی از رفقا مطرح و توضیح داده شد و در مورد اینکه کمیته هماهنگی چگونه باید در راستای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری فعالیت نماید و این مسئله را بطور واقعی و عملی در دستور کار خود قرار دهد در جمع حاضرین بحث شد. با توجه به بحران داخلی کمیته ی هماهنگی و عدم اتخاذ سیاستی مبنی بر پذیرش تقاضای عضویت در کمیته،



مجمع تصمیم گرفت، با رفع بحران و تصویب اساسنامه ی پیشنهادی، در جهت پذیرش اعضای جدید از تمام ظرفیت هایش در راستای اهداف جنبش کارگری و تشکل پذیری آنان استفاده نماید. با این توضیح که کمیته هماهنگی، باید هم چنان موقعیت خود را به عنوان تشکلی بستر ساز برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری حفظ نماید. در مورد اساسنامه پیشنهادی ابتدا در رابطه با تغییر نام کمیته هماهنگی که در این اساسنامه آمده بود بحث شد. اساسنامه پیشنهادی نام "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" را به "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" تغییر داده بود، و دلیل آن را تأکیدی بر این امر می دانست که، کمیته هماهنگی نمی خواهد با برخورد از بالا و به جای تشکل های کارگری فعالیت نماید، بلکه در راستای ایجاد آن می تواند و باید به تشکل پذیری کارگران کمک نماید. هم چنین

در ادامه ی مباحث مربوط به نام کمیته ی هماهنگی، تعدادی از اعضای از تغییر این نام در اساسنامه ی پیشنهادی دفاع کردند، اعضای مذکور با تأکید بر این که ایجاد تشکل کارگری با مشارکت محوری و مؤثر خود کارگران امکان پذیر است، بر این نکته تأکید داشتند که: نام کمیته ی هماهنگی نباید به صورتی باشد که تداعی کننده ی ایجاد تشکل کارگری، توسط این کمیته تلقی شود. اعضای در دفاع از تغییرات مزبور خواهان تغییر نام کمیته از " کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری-" به " کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری- شدند، این تغییر نام با رای اکثریت اعضا به تصویب رسید.

در ادامه ی مباحث، حول تغییرات اساسنامه ای، تعدادی از اعضای با اشاره به خلاء فعالیت های مربوط به زنان کارگر، پیشنهاد تشکیل کمیسیون زنان را مطرح نموده و خواهان قرار گرفتن این

کمیسیون در ساختار کمیته ی هماهنگی شدند. این پیشنهاد مورد استقبال اعضای حاضر قرار گرفت. هم چنین پیشنهاد ایجاد کمیته ای برای هر استان از طرف اعضا رد شد.

اساسنامه ی پیشنهادی پس از بحث و بررسی و اصلاحات لازم به تصویب مجمع رسید. این مجمع در ادامه با انتخاب اعضای هیئت اجرایی اصلی و علی البدل و بازرسین در یک فضای صمیمی و با امید به پیروزی جنبش کارگری به کار خود پایان داد.

## **"هیئت اجرایی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری"**

1387/2/2

اساسنامه مصوب مجمع عمومی؛

## **"اساسنامه ی کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"**

امروزه حق ایجاد، تشکل، یکی از بدیهی ترین و شناخته شده ترین حقوق مسلم کارگران در سراسر دنیاست. در دنیای امروز، کارگران تشکل های خود را با کسب اجازه از دولت ها ایجاد نمی کنند. آنان هر زمان که لازم ببینند به ایجاد تشکل های کارگری، بدون اجازه از دولت اقدام می نمایند و دولت ها نیز طبق استانداردهای جهانی تنها وظیفه دارند که آن تشکل ها را ثبت نموده و به رسمیت بشناسند.

دولت ایران اما به رغم عضویت در سازمان جهانی کار و با وجود مقاله نامه های 87 و 98 در آن سازمان در ارتباط با آزادی ایجاد تشکل های مستقل کارگری(غیر دولتی و غیرکارفرمایی) همه جا در مقابل این مطالبه ی برحق کارگران مانع ایجاد می کند و با تمام توان در مقابل آن می ایستد. لذا در ایران، کارگران از حق داشتن تشکل های آزاد، مستقل و طبقاتی خویش محرومند.

ماده ی 4 این اساسنامه تلاش و فعالیت نمائیم.

از نظر ما، مناسب ترین ساختار برای تشکل های کارگری، ساختار شورایی است. اما بر این باوریم که انواع دیگر تشکل های کارگری، مانند سندیکا ها، کمیته ها، انجمن ها، و... مشروط بر این که وابسته به دولت و کارفرمایان نباشند، نیز می توانند در راستای یکپارچگی و وحدت جنبش کارگری مشارکت نموده، با ساز و کار آن همراه و هم سو گردند.

#### فصل اول- نام و تعریف

ماده 1- نام این تشکل " کمیته ی همahنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" است که از این پس در این اساسنامه به اختصار " کمیته ی همahنگی" می شود.

ماده 2- کمیته ی همahنگی، جمع متشکلی از کارگران و فعالان کارگری است که برای تحقق اهداف مندرج در ماده ی

با این وجود آنان نشان داده اند که حاضر نیستند تحت هر شرایطی از این سیاست ضد کارگری تبعیت نمایند. و هر کجا که بتوانند تشکل های مورد نظر خود را با اتکاء به نیروی خود ایجاد خواهند کرد.

در همین رابطه و در راستای اصل پایه ای آزادی ایجاد هرگونه تشکل مستقل و طبقاتی کارگران، ما نیز به عنوان جمعی از کارگران و فعالان کارگری " کمیته ی همahنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" را ایجاد کرده ایم تا ضمن یاری به شکل گیری انواع تشکل های آزاد، مستقل و طبقاتی کارگران، از راه های گوناگون و استقبال از تشکل یابی آنان، به سهم خویش، در ایجاد ارتباط و همahنگی های لازم میان تشکل های موجود، جهت یکپارچگی و وحدت جنبش کارگری، تا رسیدن به تشکل سراسری و طبقاتی کارگران، و دستیابی به اهداف مندرج در

4 این اساسنامه فعالیت و مبارزه می کند.

ماده 3- حوزه ی فعالیت کمیته ی هماهنگی در ارتباط با جنبش کارگری ایران می باشد.

فصل دوم- اهداف

ماده 4- کمیته ی هماهنگی، همراه با جنبش کارگری ایران، و در کنار بخش های مختلف این جنبش و تشکل های زیربند و فعال در آن، برای احقاق حقوق و منافع کارگران و مزدبگیران تحت ستم، بهبود وضعیت زندگی و معیشت آنان، برابری حقوق زنان و مردان، لغو کار کودکان و به رسمیت شناختن حقوق انسانی آنان و سرانجام از میان برداشتن همه ی نابرابری های بشری و استثمار انسان از انسان، که به نوبه ی خود رهایی از مصائب و مشقات زندگی بشری از قبیل بیکاری، فقر، بی حقوقی، اعتیاد، فساد و تن فروشی، سرکوب آزادی های مدنی و اجتماعی و... را به دنبال می آورد، فعالیت و مبارزه می کند، و اساساً به

همین منظور تشکیل گردیده است. کمیته ی هماهنگی، به سهم خویش، در شرایط موجود این اهداف را از راه های زیر پیگیری می کند:

1-4- کمک به بستر سازی و اشاعه ی فرهنگ و روحیه ی تشکل پذیری در میان کارگران از راه های مختلف از جمله تبلیغ، ترویج، آموزش و مساعدت به ایجاد تشکل های فرهنگی، هنری، ورزشی و زنان کارگر در محلات و... و همچنین تشکل های مستقل کارگری، در مراکز تولیدی و خدماتی کارگران و محلات و مراکز زندگی و نشو و نما ی آنان، و در همین رابطه، گسترش این تشکل ها و فعالیت ها، از طریق ایجاد ارتباط و هماهنگی لازم میان آن ها و انتقال تجربیات و دستاوردهای مبارزات روزمره و تاریخی جنبش کارگری، در میان بخش ها و رشته های مختلف کارگری و حمایت از تحرکات و اعتراضات کارگران، از قبیل اعتصابات، تجمعات، راهپیمایی ها و اقدام به کنترل کارخانه ها

به ویژه کارخانه ها و مراکز بحران زده ی تولیدی و خدماتی و نظایر آن ها.

2-4- فراهم نمودن زمینه های گذار از اشکال غیر علنی فعالیت، به شکل های فعالیت علنی، متناسب با توازن قوای طبقاتی و همراه با درایت، شکیبایی و پختگی لازم، برای بسیج هر چه بیشتر توده ی کارگر جهت یکپارچگی و وحدت در جنبش کارگری ایران، به انحاء و طرق مختلف، از جمله ایجاد شرایط مساعد برای فعالان کارگری صاحب نفوذ و مورد اعتماد کارگران، در عرصه ی علنی مبارزه ی طبقاتی و محیط های کار و زیست.

3-4- ارتباط با سایر جنبش های اجتماعی مانند جنبش زنان و دانشجویان، در جهت کمک به ایجاد تشکل های مستقل و مرتبط با این جنبش ها و حمایت مؤثر از آنان.

فصل سوم- عضویت و وظایف اعضا

ماده 5- عضویت کلیه ی کارگران و فعالان کارگری در "کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" آزاد است و هیچ کس را نمی توان به قبول عضویت در آن مجبور و یا از قبول آن منع کرد.

ماده 6- هر کارگر یا فعال کارگری که اساسنامه ی کمیته ی هماهنگی را بپذیرد، حق عضویت بپردازد و متعهد شود که برای تحقق اهداف آن مبارزه کند، می تواند به عضویت کمیته ی هماهنگی درآید.

تبصره 1: کسی که عضویت کمیته ی هماهنگی را می پذیرد، متعهد می شود که در قبال مسئولیت ها و وظایف محوله پاسخگو باشد

تبصره 2: اعضای کمیته ی هماهنگی در شرایط موجود از محدوده ی جغرافیایی ایران عضوگیری می شوند.

ماده 7- تمام اعضای کمیته ی هماهنگی می توانند در جلسات عمومی آن شرکت کنند و در تمام تصمیم گیری های آن

نقش داشته باشند، انتخاب کنند و انتخاب شوند. همه ی اعضای کمیته ی هماهنگی از حق رأی مساوی برخوردارند. ماده 8- کمیته ی هماهنگی خود را موظف می داند که از هر کارگر یا فعال کارگری که در جریان مبارزه برای احقاق حقوق کارگران و به کرسی نشاندن خواست ها و مطالبات آنان از کار اخراج یا بازداشت شده باشند، اعم از این که عضو کمیته ی هماهنگی باشند یا نباشند، به تناسب توان و مقدرات خویش دفاع نماید. این دفاع باید حتی المقدور تلاش کمیته برای بازگشت به کار کارگر اخراج شده و یا آزادی از زندان کارگران و فعالان کارگری زندانی را از راه های مختلف، از جمله بسیج کارگران برای حمایت از آن ها، جلب پشتیبانی کارگری سازمان های کارگری جهانی، شکایت به نهادهای حقوقی داخلی و بین المللی، گرفتن وکیل برای آنان و نیز کمک به خانواده های

شان را از جوانب مختلف در بر بگیرد.

ماده 9- اعضای کمیته ی هماهنگی موظفند به طور منظم در جلسات عمومی آن شرکت کنند و هر ماه حق عضویت بپردازند.

تبصره: چنان چه هر یک از اعضاء بدون عذر موجه در جلسات عمومی آن شرکت نکند و یا حق عضویت نپردازد در مرتبه ی اول به آن ها تذکر داده می شود. و در صورتی که بدون عذر موجه برای بار دوم در جلسه ی عمومی شرکت نکند و یا حق عضویت نپردازد، عضویت آنان لغو می شود. پذیرش مجدد عضویت این افراد مستلزم تأیید و تصویب اکثریت نسبی اعضای کمیته ی هماهنگی می باشد.

ماده 10- هر عضو کمیته ی هماهنگی حق دارد در هر زمان، به صلاحدید خود استعفا کند و آن را آزادانه به اطلاع کمیته برساند.

ماده 11- هرگاه به تشخیص دو سوم اعضای کمیته ی

هماهنگی، عضوی فاقد شرایط عضویت شده باشد، عضویت وی لغو می شود. در صورت وقوع چنین امری، شخص مورد نظر حق دفاع از خود را در بالاترین رکن تشکیلاتی این کمیته-مجمع عمومی- دارا خواهد بود.

#### فصل چهارم- ارکان تشکیلاتی

ماده 12- ارکان تشکیلاتی کمیته ی هماهنگی برای ایجاد شکل های مستقل کارگری عبارتند از: 1- مجمع عمومی-2- هیئت اجرایی - بازرسان.

ماده 13- مجمع عمومی، عالی ترین رکن تشکیلاتی کمیته ی هماهنگی و به این اعتبار مهم ترین مرجع تصمیم گیری آن به شمار می رود. مجمع عمومی به دو شکل عادی و فوق العاده برگزار می گردد.

ماده 14- مجمع عمومی عادی به روال معمول، در پایان یک دوره ی یکساله ی فعالیت کمیته ی هماهنگی تشکیل شده و وظایف و اختیارات ذیل را بر عهده دارد:

1- برنامه ریزی و تعیین خط مشی کلی و سالانه ی کمیته، در فاصله ی بین دو مجمع عمومی عادی.

2- تصویب اساسنامه ی کمیته ی هماهنگی و اصلاح یا تغییر کلیات یا بندهایی از آن، در مواقع ضروری.

3- بررسی گزارشات، اظهار نظرات و مجموعه ی عملکرد هیئت اجرایی، بازرسان یا بازرسان کمیته، و دیگر اعضای آن، و اتخاذ تصمیمات مقتضی در این رابطه.

4- انتخاب هیئت اجرایی و بازرسان یا بازرسان کمیته.

5- بررسی وضعیت مالی کمیته ی هماهنگی و تصویب تراز مالی آن.

6- تعیین نشریه و ایجاد سایت، به منظور درج نوشته ها و مقالات کمیته ی هماهنگی در آن.

7- تعیین میزان حق عضویت ماهانه ی اعضای کمیته ی هماهنگی.

8- تصمیم گیری در خصوص انحلال کمیته ی هماهنگی و انتخاب هیئت تسویه.  
9- تأیید یا تصویب همکاری با دیگر تشکل های کارگری (به اشکال مختلف) و یا پایان دادن به همکاری با آنان.

حوش موعد مقرر، استنکاف ورزد، این مجمع می تواند به دعوت بازرس یا بازرسان کمیته، و یا یک سوم از اعضای آن، تشکیل گردد.  
ماده 16- مجمع عمومی فوق العاده:

ماده 15- جلسات مجمع عمومی عادی، با حضور نصف بعلاوه ی یک اعضای کمیته رسمیت خواهد یافت. در صورتی که نشست سالانه(عادی)، برای بار اول به حد نصاب لازم- نصف به اضافه ی یک- نرسد، جلسه ی بعدی آن، با فاصله ی 60 روز تشکیل، و این بار با حضور حداقل یک سوم اعضای کمیته ی هماهنگی رسمیت خواهد داشت. تصمیمات این نشست نیز با حضور اکثریت نسبی اعضای حاضر در جلسه، رسمی خواهد بود.

این مجمع در صورت نیاز، بنا به دعوت هیئت اجرایی، بازرسان و یا یک سوم از اعضای کمیته ی هماهنگی، در رابطه با حل فوری و عاجل مشکل یا مشکلاتی که بوضوح سیر طبیعی و منطقی حرکت این کمیته را دچار کم تحرکی یا اختلال نموده است تشکیل می گردد. بنابراین، مجمع عمومی فوق العاده پس از تشکیل، بطور طبیعی می بایست موضوع یا موضوعاتی را که در واقع موجبات اصلی فراخوان جلسه یا جلسات این مجمع را فراهم نموده است در دستور کار خود قرار داده و بیشترین وقت جلسه را به آن اختصاص دهد. علاوه بر این، مجمع عمومی فوق العاده می تواند در خصوص

تبصره: در صورتی که هیئت اجرایی کمیته ی هماهنگی، از دعوت اعضا برای برگزاری نشست مجمع عمومی عادی یا سالانه ی کمیته، در حول و



مسایل و موضوعات ذیل نیز اتخاذ تصمیم نماید:

1- بررسی اظهار نظرات، گزارشات و مجموعه ی عملکرد هیئت اجرایی، بازرس یا بازرسان کمیته و دیگر اعضای آن، و اتخاذ تصمیم در مورد تمامی آن موارد.

2- اصلاح و تغییر کلیات و یا بندهایی از اساسنامه ی کمیته ی هماهنگی، برحسب ضرورت.

3- عزل کلیه ی اعضای هیئت اجرایی و یا تعدادی از آن ها.

4- عزل بازرس یا بازرسان کمیته.

5- ترمیم یا جایگزینی اعضای هیئت اجرایی و بازرسان کمیته، در صورت نیاز.

6- تأیید و یا تغییر احتمالی میزان حق عضویت ماهیانه ی اعضا.

7- تأیید یا تصویب همکاری با دیگر تشکل های کارگری (به اشکال مختلف) و یا پایان دادن به همکاری با آنان.

8- انحلال کمیته ی هماهنگی و انتخاب هیئتی برای پیگری و به فرجام رساندن کار.

ماده 17- جلسات مجمع عمومی فوق العاده با حضور حداقل دو سوم اعضای کمیته ی هماهنگی، رسمیت می یابد و تصمیمات آن نیز با حداقل دو سوم آراء حاضر رسمی و نافذ خواهد بود.

تبصره: چنان چه نشست مجمع عمومی فوق العاده، برای بار اول به حد نصاب لازم نرسد، جلسه ی بعدی به فاصله ی 60 روز تشکیل و با حضور حداقل نصف بعلاوه ی یک اعضا رسمیت خواهد یافت. تصمیمات این نشست (نشست دوم) نیز با اکثریت حداقل دو سوم آراء اعضای حاضر در جلسه، معتبر و نافذ خواهد بود.

ماده 18- اخذ رأی در مجامع عمومی، به جز در مواردی که در اساسنامه پیش بینی شده است، با تصمیم اکثریت نسبی اعضای حاضر در جلسه، به صورت مخفی و یا علنی خواهد بود.

ماده 19- اعضای که به دلایل مختلف نمی توانند در مجامع

عمومی شرکت کنند، می توانند نمایندگی خود را کتباً به عضو دیگری واگذار نمایند.

تبصره: هر یک از اعضای حاضر در مجمع، تنها می تواند نمایندگی یک نفر از اعضای غایب را بپذیرد. عضو حاضر در مجمع می بایست نامه ی کتبی عضو غایب را در اولین فرصت به هیئت رئیسه ی مجمع تحویل دهد.

ماده 20- انتخاب اعضای هیئت اجرایی و بازرس یا بازرسان کمیته، با رأی مخفی صورت خواهد گرفت.

ماده 21- ترتیب اداره ی جلسات مجامع عمومی:

1- مجامع عمومی توسط هیئت رئیسه ای مرکب از: یک رئیس، دو منشی و دو نفر ناظر اداره می شود. این اشخاص از بین اعضای حاضر در جلسه، با اکثریت آراء انتخاب می شوند.

2- هرگاه شور و اخذ تصمیم در خصوص یکی از موضوعات مهم و اصلی مجمع خاتمه نیابد و تصمیم گیری و اخذ نتیجه در آن مورد از اهمیت ویژه و عاجلی

برخوردار باشد، در این صورت هیئت رئیسه ی مجمع می تواند با تأیید و تصویب اعضاء حاضر در جلسه، ادامه ی کار را به نشست بعدی مجمع که حداکثر تا یک ماه پس از نشست اول تشکیل خواهد شد، موکول نماید و در جلسه ی مورد نظر، کار را به اتمام برساند. حد نصاب لازم برای رسمیت یافتن جلسه ی بعدی مجمع، همان حد نصاب جلسه ی قبل خواهد بود.

3- از مذاکرات و تصمیمات مجامع عمومی صورت جلسه ای توسط منشیان جلسه تنظیم و به امضای هیئت رئیسه خواهد رسید.

4- تمامی صورت جلسات، لیست اسامی اعضای حاضر در مجمع، اعلام نتایج انتخابات و تأیید صحت آن ها نیز باید به امضای هیئت رئیسه ی مجمع برسد.

5- مجامع عمومی، در واقع نماینده ی قانونی کلیه ی اعضای کمیته ی هماهنگی می باشند و تصمیمات آن در مورد

همه ی اعضای کمیته، اعم از حاضرین یا غائبین در جلسات مجمع نافذ و معتبر خواهد بود.

فصل پنجم- هیئت اجرایی، طرز تشکیل، وظایف و اختیارات

ماده 22- هیئت اجرایی، پس از مجامع عمومی، بالاترین نهاد تصمیم گیری کمیته ی هماهنگی است، که بر همین اساس کلیه ی امور و فعالیت های مربوط به این کمیته را، در رابطه با مسایل جنبش کارگری، در فاصله ی بین دو مجمع عمومی عادی، براساس مفاد اساسنامه و تصمیمات متخذه از جانب مجامع عمومی عادی و فوق العاده اداره و سرپرستی می نماید.

ماده 23- تعداد اعضای اصلی هیئت اجرایی در شرایط حاضر 9 نفر و تعداد اعضای علی البدل آن 2 نفر می باشند که برای مدت یک سال، از میان اعضای کمیته ی هماهنگی، در مجامع عمومی، انتخاب می شوند.

تبصره 1: تعداد اعضای هیئت اجرایی می تواند تحت اوضاع و موقعیت های متفاوت تغییر کند. ماده 24- وظایف هیئت اجرایی کمیته ی هماهنگی به شرح زیر می باشد:

1- هیئت اجرایی کمیته ی هماهنگی، برای اداره و سرپرستی کلیه ی امور و فعالیت های مربوط به این کمیته و نظارت بر حسن اجرای آن، جلساتی را در هر ماه برگزار خواهد کرد. جلسات هیئت اجرایی با حضور حداقل دو سوم اعضای آن، رسمیت یافته و تصمیمات آن با اکثریت نصف بعلاوه ی یک آراء حاضر، رسمی و معتبر خواهد بود.

تبصره: این هیئت همچنین به منظور هماهنگی بیشتر در بخشهای مختلف فعالیت های این کمیته ، و نظارت بر حسن اجرای آن ها ، هر فصل یکبار جلساتی را با حضور نمایندگان کمیته های مناطق برگزار خواهد کرد.

2- اداره ی نشریه و سایت اینترنتی کمیته ی هماهنگی.

3- تصمیم به همکاری با دیگر تشکل های کارگری- به اشکال و صور مختلف- و یا پایان دادن به همکاری با آنان.

4- هیئت اجرایی همچنین از میان اعضای خود فردی را تحت عنوان سخنگوی کمیته ی هماهنگی، با وظیفه ی اعلام مواضع این کمیته، در چهارچوب اسناد پایه ای و مصوبات جلسات مجامع عمومی عادی و فوق العاده ی آن، انتخاب می کند.

5- هیئت اجرایی منتخب، در اولین جلسه ای که حداکثر تا بیست روز پس از قطعی شدن انتخابات تشکیل می شود، زیر مجموعه هایی با نام کمیسیون(مثل کمیسیون ارتباطات، کمیسیون تبلیغات و انتشارات، کمیسیون تشکیلات، کمیسیون آموزش، کمیسیون زنان و...) تشکیل و مسئولین آن ها را برای انجام فعالیت های معین انتخاب می کند. مسئولین هر یک از این کمیسیون ها نیز موظفند که هر ماه گزارشی از فعالیت های

خود را کتباً به هیئت اجرایی کمیته ی هماهنگی ارائه دهند. 6- هیئت اجرایی منتخب کمیته ی هماهنگی همچنین مکلف است تا حداقل یک ماه قبل از پایان دوره ی یکساله ی فعالیت خود، اعضای این کمیته را از تاریخ تشکیل جلسات مجامع عمومی-اعم از مجامع عمومی عادی یا فوق العاده- مطلع سازد و از آنان برای شرکت در جلسات یاد شده دعوت به عمل آورد.

تبصره 1- انتخاب مجدد اعضای هیئت اجرایی، برای دوره های مختلف، بلامانع خواهد بود.

تبصره 2- تا تعیین هیئت اجرایی جدید، کلیه ی مسئولیت های کمیته، بر عهده ی اعضای هیئت اجرایی قبلی خواهد بود.

تبصره 3- غیبت اعضای هیئت اجرایی، در دو جلسه ی متوالی، یا چهار جلسه ی متناوب، بدون عذر موجه، موجبات لغو عضویت عضو مورد نظر را از هیئت اجرایی کمیته ی هماهنگی خواهد کرد. در صورت وقوع چنین اتفاقی،

اعضای علی البدل هیئت اجرایی می توانند به نسبت بیشترین آرایه که در مجمع عمومی کسب کرده اند، به ترتیب جایگزین عضو یا اعضای لغو عضویت شده در هیئت اجرایی گردند.

تبصره 4- تشخیص موجه یا غیر موجه بودن غیبت عضو یا اعضای غایب، بر عهده هیئت اجرایی خواهد بود.

#### فصل ششم- کمیته های مناطق

ماده 25- برای تأثیرگذاری و دخالت بیشتر اعضا در روند تصمیم گیری کمیته ی هماهنگی، این کمیته به شش منطقه ی شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکز و منطقه ی تهران تقسیم می شود.

ماده 26- هر یک از مناطق فوق، بوسیله ی هیئت های اجرایی منطقه ی مورد نظر خود اداره و سرپرستی می شوند. بالاترین رکن تشکیلاتی کمیته های مناطق، جلسات عمومی اعضای

آن است که بر حسب شرایط و موقعیت منطقه، تعیین خواهد شد.

ماده 27- وظایف و اختیارات هیئت های اجرایی کمیته های مناطق، در مجموع متناسب با روح حاکم بر برنامه ها و ضوابط کمیته ی هماهنگی و عبارت خواهد بود از: اداره و سرپرستی کلیه امور این کمیته ها و نظارت بر حسن اجرای آن ها، اعم از انتخاب هیئت های اجرایی مناطق، تنظیم نشست های جلسات عمومی اعضای آن ها، بررسی گزارش ها، اظهار نظرات و عملکرد اعضای این کمیته ها، بررسی وضعیت مالی آن ها و در صورت لزوم، عزل و جایگزینی کلیه ی اعضای هیئت اجرایی و یا تعدادی از آن ها و به ویژه رعایت بندها و موادی از اساسنامه ی کمیته ی هماهنگی، از جمله ماده ی 22 و 23 آن، همراه با تبصره های ماده ی 24 اساسنامه و تبصره هایی از مواد 28 و 31.

به طور مشخص:

1- هیئت اجرایی کمیته های مناطق، برای اداره و سرپرستی منطقه ی یاد شده و فعالیت های مربوط به آن و نظارت بر حُسن اجرای آن ها، جلساتی را در هر ماه برگزار خواهد کرد. جلسات یاد شده با حضور حداقل دو سوم اعضای آن، رسمیت یافته و تصمیمات آن با اکثریت نصف بعلاوه ی یک آراء حاضرین رسمی و معتبر خواهد بود.

2- هیئت اجرایی منتخب منطقه، در اولین جلسه ای که حداکثر تا بیست روز پس از قطعی شدن انتخابات تشکیل می شود، زیر مجموعه هایی به روال فعالیت هیئت اجرایی کمیته ی هماهنگی با نام کمسیون های منطقه تشکیل خواهد داد.

3- هیئت اجرایی منتخب کمیته های مناطق، همچنین مکلف خواهند بود، تا حداقل یک ماه قبل از پایان دوره ی یکساله ی فعالیت های خود، اعضای کمیته های مناطق را از تاریخ تشکیل مجامع عمومی خود مطلع

سازند و از آنان برای شرکت در جلسات یاد شده دعوت به عمل آورند.

تبصره: انتشار نشریه و ایجاد سایت، تنها در حوزه ی اختیارات هیئت اجرایی کمیته ی هماهنگی خواهد بود.

فصل هفتم- بازرسان، طرز تشکیل، وظایف و اختیارات آن

ماده 28- کمیته ی هماهنگی در جهت پیشبرد هر چه بهتر و اصولی تر فعالیت های کارگری خویش، از طریق مجامع عمومی، تعداد 1 نفر را به عنوان بازرس اصلی و تعداد 1 نفر را به عنوان بازرس علی البدل، برای مدت یک سال انتخاب می نماید.

تبصره: انتخاب مجدد بازرسان بلامانع خواهد بود.

ماده 29- وظایف و اختیارات بازرس یا بازرسان کمیته عبارتند از:

1- اقدام برای فراخوان و تشکیل مجامع عمومی- اعم از عادی یا فوق العاده- در صورت نیاز به

تشکیل آن، مطابق تبصره ی یک ماده ی 15 و ماده ی 16 اساسنامه ی کمیته ی هماهنگی.

2- رسیدگی به شکایات اعضاء و تهیه ی گزارش از آن ها، برای ارائه به هیئت اجرایی و یا مجامع عمومی.

3- رسیدگی به گزارش های مالی کمیته و گواهی صحّت آن ها، جهت ارائه به مجامع عمومی.

4- رسیدگی به دفاتر، اوراق و اسناد کمیته ی هماهنگی- اعم از اسناد مالی و... و نظارت بر حفظ و نگهداری آن ها.

5- تهیه و تنظیم گزارش از عملکرد بازرسان، هیئت اجرایی و یا تنی چند از اعضاء آن و ارائه ی آن به مجامع عمومی کمیته ی هماهنگی.

فصل هشتم- امور مالی کمیته ی هماهنگی

ماده 31- هیئت اجرایی همچنین مکلف است حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از

انتخابات حسابی را با امضای مشترک 2 نفر(مسئول امور مالی و یکی از اعضاء منتخب هیئت اجرایی) در یکی از بانک های کشور باز نموده و وجوه متعلق به کمیته ی هماهنگی را به حساب مورد نظر واریز نماید.

تبصره: برداشت از حساب بانکی کمیته ی هماهنگی، با امضای مسئول امور مالی کمیته و عضو منتخب هیئت اجرایی و همچنین مُهر کمیته معتبر خواهد بود.

ماده 31- مجموعه ی امور مالی کمیته ی هماهنگی و مسئولیت های آن برعهده ی مسئول مالی این کمیته می باشد. اهم وظایف و مسئولیت های آن عبارتند از:

1- تهیه و تنظیم دفاتر مخصوص مالی و حفظ و نگهداری آن ها به نحو احسن.

2- دریافت و جمع آوری حق عضویت اعضاء و کمک های مالی به کمیته ی هماهنگی، در قبال تحویل رسید به آن ها.

کلیه ی دفاتر و اسناد مالی  
کمیته ی هماهنگی را برای  
رسیدگی در اختیار آنان قرار  
دهد.

#### فصل نهم- انحلال

ماده 32- در صورتی که کمیته  
ی هماهنگی به هر دلیل، منحل  
شود، اموال منقول و غیر منقول  
آن با رأی اکثریت اعضاء، صرف  
اهداف مشابه کمیته ی  
هماهنگی برای کمک به ایجاد  
تشکل های کارگری خواهد شد.  
ماده 33- این اساسنامه با یک  
مقدمه، 9 فصل، 33 ماده و 16  
تبصره در مجمع عمومی مورخه  
ی 1387/1/23 کمیته ی  
هماهنگی به تصویب رسید.  
بدین وسیله اساسنامه ی قبلی  
این کمیته به تاریخ 1385/1/25  
ملغی اعلام می گردد.

3- رسیدگی و نظارت بر  
مجموعه ی عملکرد مالی  
کمیته.

4- رسیدگی و نظارت بر کلیه ی  
اموال و دارایی های کمیته ی  
هماهنگی و حفظ وجوه و اسناد  
مالی این کمیته، و همچنین  
پیش بینی بودجه ی سال آتی و  
تسلیم آن به هیئت اجرایی و  
بازرسان کمیته.

5- تهیه و تنظیم تراز مالی  
کمیته ی هماهنگی جهت ارائه  
به هیئت اجرایی و بازرسان  
کمیته.

6- رسیدگی و نظارت بر اسناد و  
مدارک ارائه شده در مورد  
مجموعه ی دریافت ها و  
پرداخت ها، اعم از حق عضویت  
اعضاء و کمک های مالی به  
کمیته ی هماهنگی.

تبصره: مسئول امور مالی  
موظف است در هر مورد بنا به  
تقاضای بازرس یا بازرسان،

## تشکل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم



## افق جنبش کارگری در سال 87

**توضیح :** این مقاله در تاریخ 87/1/15 نوشته شده و در آن تاریخ چند نکته اشاره شده  
( مثل مسئله آزادی محمود صالحی ، و پایان بحران کمیته هماهنگی) تحقق نیافته بود و لذا توضیحاتی وجود دارد که به آن زمان مربوط می گردد.

**موقعیت کنونی جنبش کارگری**  
برای بررسی افق جنبش کارگری در سال 87 ضروری است ابتدا نگاهی به روند مبارزه طبقاتی در چند ساله اخیر داشته باشیم. بدون نگاه واقعی به موقعیت جنبش کارگری، قادر نخواهیم بود افق واقعی آنرا ببینیم و در نتیجه تبیین ما از افق جنبش کارگری در آینده و سال 87 به دور از واقعیت خواهد بود. پس از دو

دهه رکود و خفقان شدید از سال 60 تا 87 ، جنبش کارگری بار دیگر به حرکت درآمد و به صحنه آمد. طی این چند سال شاهد دهها اعتصاب و اعتراض کارگری بوده ایم. در نتیجه این اعتراضات و اعتصابات زمین زیر پای سرمایه داران لرزید و از هر امکانی استفاده نمودند تا بار دیگر این جنبش را به عقب برانند. اما دیگر دوران سرکوبهای سپاه دهه 60 سپری شده و نمی توانند روزانه دهها نفر را قتل عام کنند. مبارزه طبقاتی به پیش رفته و دست آوردهایی داشته است. پس از مراسم سال 83 در سقز و تهاجم به آن دور جدیدی از مبارزه برای ایجاد تشکلهای طبقاتی آغاز شد و در جریان این کشاکش طبقاتی چندین کمیته کارگری ایجاد شد و فعالین جنبش کارگری بیشتری به صحنه آمدند. کمیته پیگیری ... و کمیته هماهنگی ... اتحاد کمیته های کارگری، شکل گرفتند و سندیکای شرکت واحد بدون

مجوز موجودیت خود را اعلام نمود و اعتصاب بزرگی را در تهران انجام داد. تعدادی چهره های علنی و نیمه علنی فعالین کارگری به صحنه آمدند و مراسم روز جهانی کارگر از خانه ها بیرون آمد و در خیابانها برگزار گردید. شکل گیری شورای همکاری تشکلهای و فعالین کارگری یکی دیگر از دست آوردهای جنبش کارگری در این دوران بود. تعداد اعتصابات کارگری و اعتراضات خیابانی آنها در این چند سال رشد قابل توجهی داشته و چند گام حکومت سرمایه داران را به عقب راند. کارگران نیشکر هفت تپه پس از اعتصاب بزرگشان تلاش نمودند تا سندیکای خود را ایجاد نمایند، که با بازداشت نمایندگانشان روبرو شدند. همه اینها بیانگر رشد تضادهای طبقاتی است، اما ضروری است بینیم پیشروی جنبش کارگری به چه مدارجی رسیده و در چه موقعیتی قرار داریم. آیا در دوران اعتلای انقلابی هستیم؟ آیا توازن قوا به ما

اجازه می دهد تا تاکتیکهای تعرضی را در دستور کار قرار دهیم؟ آیا سطح مبارزه کارگران از مدار سرمایه داری فراتر رفته؟ چه درصدی از کارگران وارد مبارزه عملی وسیعی شده اند؟ و بالاخره آیا طبقه کارگر در تمام جبهه ها وارد نبرد با سرمایه داری شده است؟ مبارزه کارگران را از چند جنبه باید مورد بررسی قرار دهیم. اولاً بیشتر مبارزات کارگران در چند سال گذشته در ارتباط با دستمزدهای معوقه و یا تعطیلی کارخانه ها بوده است. البته نباید فراموش نماییم که مطالبه طبقه کارگر همیشه ریشه در بحران سرمایه داری دارد، اما شکل بروز آن و وسعت و دامنه آن مسئله ای بسیار با اهمیت و تعیین کننده است. یعنی اگر همین دستمزدهای معوقه و تعطیلی کارخانه ها در بیشتر صنایع وجود می داشت، طبیعتاً جنبشی همه گیر و سراسری بوقوع می پیوست، اما این وضعیت اقتصادی سیستم سرمایه داری در ایران

نیست. به عبارتی دیگر این شکل از بحران دامنگیر اکثر صنایع نیست و حکومت سرمایه دارای ایران به پشتوانه بودجه نفتی، از بروز چنین شکلی از بحران در مقیاس سراسری آن جلوگیری کرده است، اما به هیچ وجه قادر نبوده و نیست تا در کارخانه های تعطیل شده و دارای بحران مشکلات را حل نماید. طی چند سال گذشته شاهد دهها اعتراض، تجمع، و بستن جاده ها توسط کارگرانی که یا کارخانه شان تعطیل شده بوده و یا دستمزدشان را دریافت نکردند، بوده ایم. در اکثر موارد دولت سرمایه دارای ایران راه حلی جز سرکوب برای آن نداشته است. بنابر این دلارهای نفتی یا در جیب بزرگ سرمایه داران گم می شود یا صرف هزینه های سرسام آور نظامی می گردد و یا فقط تا حدودی به سر پا نگهداشتن صنایع بزرگ و مادر کمک کرده است. هر چند مبارزه طبقه کارگر ایران در چند سال گذشته فقط به کارخانه های بحران زده

محدود نگردیده و مبارزه برای افزایش دستمزد، برای لغو قرار دادهای موقت و ... نیز در جریان بوده، اما این مبارزات به مراتب نمودهای کمتری به نسبت کارخانه های بحران زده داشته است. بنا بر این، در میدان مبارزه بخش کوچکتر طبقه کارگر به شکل گسترده و وسیعی حضور داشته و اکثریت آن در صفوفی عقبتر و با بروزی کم‌رنگتر حرکت کرده اند. از یکسو مبارزه کل طبقه کارگر در یک سطح نبوده و از سوی دیگر مطالبات آن بیشتر حول دریافت دستمزدهای معوقه دور زده است. هر چند که در جریان مبارزات کارگران و درگیری هایی که بوقوع پیوست، مبارزات رنگ و بوی سیاسی به خودش گرفت و اساسا همیشه مطالبات کارگران چاشنی سیاسی به همراه دارد، اما این به معنای یکی دانستن نعل به نعل مبارزه اقتصادی و سیاسی نیست. مبارزه دارای مدارج متفاوتی است، و در جریان تکامل خود می تواند شکل

سیاسی پیدا کند. مبارزات طبقه کارگر هنوز مثل انقلاب ۵۷ به مدارج اعتصابات و تظاهرات سراسری نرسیده و حول محور مطالبات ابتدایی طبقه کارگر حرکت می کند.

یک نکته قابل تعمق دیگر، مسئله مبارزه پراکنده و خودبخودی جنبش کارگری است. مبارزات کارگران بدون ارتباط و تداوم صورت می گیرد و بر این مینا دچار ضعف و ناپیگیری است. در جریان اعتراض و اعتصاب کارگران یک واحد صنعتی، دیگر بخشها به حمایت از آن وارد کارزار نمی گردند و در نتیجه ضربه پذیری آن افزایش می یابد. از سوی دیگر چون مبارزه کارگران خود آگاه نیست، تداوم نمی یابد و خود جوش و مقطعی است. ما شاهد تعداد زیادی اعتصاب و اعتراض کارگری بودیم که بدون ارتباط با هم و بدون حمایت از یکدیگر تحقق یافتند و این عدم ارتباط جنبش را دچار افت نموده و در سیر تکاملی آن مانع ایجاد می نماید. طبیعتاً آنچه

می تواند جنبش را از این حالت خودبخودی و پراکندگی بیرون بیاورد، متشکل شدنش است. تلاشی که طی چند سال گذشته توسط بخشهایی از کارگران و فعالین جنبش کارگری پیگیری شده و در مقابل نیز با سرکوب مواجه شده است. هر چند مبارزه برای متشکل شدن خود دست آورهای زیادی تا کنون داشته است، اما به هر شکل تا به حال تحقق نیافته و طبقه کارگر همچنان طبقه ای بی شکل است و این مسئله شدیداً بر روند مبارزه طبقه کارگر تاثیر منفی می گذارد. رابطه مبارزه کارگران با تشکل طبقاتیشان، یک تاثیر متقابل است. هر چه کارگران متشکلتر شوند، می توانند سیر مبارزات و ارتباط بین آنها را بیشتر کنند و در نهایت سرمایه داران را به سرعت عقب برانند. اما مبارزه خودبخودی یک روند صعب و طولانی است، که چشم انداز مبهمی در آن وجود دارد. متشکل شدن کارگران نه تنها روند مبارزه را تسریع می نماید،

بلکه زمینه بسیار مساعدی برای آگاهی سوسیالیستی در کارگران نیز هست. مجموعه واقعیت‌های ذکر شده ما را به موضوع توازن قوا می‌رساند، به عبارتی دیگر موقعیت طبقه کارگر به عنوان یک نیروی اجتماعی در مقابل سرمایه، هنوز به مدارجی نرسیده تا بتواند دست به تعرض بزند. مبارزه بین پرولتاریا و بورژوازی دقیقاً همانند جنگی است که باید تمام جوانب آن و در نهایت توازن قوا را محاسبه نمود. باید دید چه تعداد نیرو و تا کجا در شرایط حاضر در مقابل سرمایه داری مبارزه می‌کنند. باید همه امکانات، موقعیتها و شرایط بررسی شوند. تنها در شرایطی که کارگران از یکدیگر حمایت کنند و اکثریت آنها در میدان عملی مبارزه باشند و مطالباتشان، به مطالبات سیاسی و وسیعی رسیده باشد می‌توان شرایط را اعتلا دید و تعرض را در دستور کار قرار داد. در واقع تعرض و تدافع نه بر اساس اراده جریان

سیاسی خاصی، بلکه بر مبنای سیر واقعی مبارزه طبقاتی بوجود می‌آید و مطالبات طبقه کارگری که به میدان آمده یکی از پارامترهای با اهمیت در این رابطه است. بنابر این طبقه کارگر در موقعیتی قرار ندارد تا بتواند تاکتیکهای تعرضی در دستور کارش قرار دهد. ممکن است این سؤال پیش بیاید که مگر در سال 57 طبقه کارگر متشکل بود؟ مگر سیر تکاملی که من در اینجا گفتم را طی کرد؟ بله ممکن است در شرایطی جنبش کارگری بدون تشکل همانند سال 57 برآمد نماید و یا ممکن است جنبش کارگری در یک فاصله زمانی کوتاه و تحت شرایط خاصی مثل سال 57 وارد مدار اعتلا و حتی موقعیت انقلابی شود، اما همه اینها دلیل بر این نمی‌شوند که ما وضعیت فعلی جنبش کارگری و عواملی که هر یک به نوبه خود می‌توانند موثر باشند را در نظر نگیریم. اعتلا یعنی شرایطی که بخش قابل توجهی از کارگران با

سرمایه داران چند گام به عقب رفته اند. اما این بدان معنا نیست که در موضع ضعف و شکست قرار دارند. سرمایه داری هنوز ظرفیتهای سرکوب و قدر قدرتی را در خود دارد، و به زبان ساده تیغش کند شده و کمتر از قبل برش دارد، اما هنوز می برد. در واقع هر چند جنبش به مرحله اعتلا و تعرض نرسیده است اما در یک روند رو به اعتلا حرکت می کند و طی چند سال گذشته پیشروی نموده است.

**تشکل های کارگری در سال 87**  
آنچه در اولویت مبارزات فعالین و پیشروان جنبش کارگری همچنان باقی خواهد ماند، کمک به ایجاد تشکل به نیروی خود کارگران در محیطهای کار است. مبارزه ای که طی چند سال گذشته انجام شده و با سرکوب دولت سرمایه داران مواجه شده است، طبیعتاً نه تنها ادامه خواهد یافت بلکه به دلیل رشد تضادهای طبقاتی و تا حدودی متشکل بودن پیشروان جنبش کارگری در کمیته های

مطالبات پیشرو به میدان آمده باشند و دست بالا را در مقابل حکومت سرمایه داری داشته باشند. توده ها حاضر نباشند مثل گذشته زندگی کنند و حاکمان نیز نتوانند مثل گذشته حکومت کنند. تنها در چنان شرایطی است که طبقه کارگر در موقعیت تعرض قرار می گیرد و دولت در موضع ضعف خواهد بود. اما پس همه تغییر و تحولاتی که از سال 80 به بعد بوجود آمده چه تاثیری داشته است؟ دهها اعتصاب، اعتراض، راه بندان و تجمع چه تاثیری بجا گذاشته؟ و مگر همینها را نمی توان دال بر اعتلای جنبش کارگری دانست؟ مبارزات کارگران چه برای مطالباتشان و چه برای ایجاد تشکل و... همه در راستای مبارزه ضد سرمایه داری هستند که پیشروی جنبش کارگری را نشان می دهند. اما موضوع بر سر حدود این پیشروی و توازن قوا است. بله مبارزه طبقه کارگر، باعث گردیده فضای رعب و وحشت و سرکوب دو دهه شکسته شود و

کارگری پیگیرانه تر و جدی تر  
تداوم خواهد یافت. بسیار  
مشکل است که پیش بینی  
نماییم تا چه حدی جنبش  
کارگری موفق خواهد شد  
خودش را متشکل نماید، اما  
قاطعانه می توانیم بگوییم  
شرایط برای متشکل شدنش از  
گذشته فراهمتر است. سیر  
مبارزه طبقاتی این ضرورت را  
بیشتر از پیش برجسته نموده و  
مبارزه کارگران شرکت واحد و  
نیشکر هفت تپه نمونه های  
بارزی از این مسئله اند. در این  
رابطه هر چه فعالین جنبش  
کارگری دارای برنامه و  
سازماندهی بیشتری برای  
متشکل نمودن طبقه کارگر  
باشند، امکان متشکل شدن  
کارگران بیشتر خواهد بود و  
چنانچه بیشتر به مسائل  
حاشیه ای و گروهی خود توجه  
کنند کمتر قادر خواهند بود به  
این مسئله کمک نمایند. هر  
چند که روند مبارزه طبقاتی  
تعیین خواهد کرد که تا چه حد  
کارگران می توانند در مقابل  
حکومت سرمایه داران پیشروی

نمایند، اما در هر شرایطی  
نقش فعالین و نوع برخوردشان  
را نمی توان نادیده گرفت. باید  
در جریان هر اعتراض و اعتصاب  
کارگری ضرورت ایجاد تشکل را  
بر جسته نمود و در این رابطه  
نمی توان تابع الگویی خاص  
باشیم. بسته به شرایط و  
ویژگی های هر محیط کارگری  
باید تشکلی متناسب با آن را  
در دستور کار قرار داد.  
شورا، کمیته کارگری، سندیکا و  
... هر يك می توانند در خدمت  
طبقه کارگر قرار گیرند و این  
مسئله نه بر اساس انتخاب ما  
بلکه بسته به شرایط و موقعیت  
مبارزه بطور کلی و با توجه به  
شرایط خاص هر محیط کارگری  
باید برجسته گردد.

ایجاد تشکلهای به نیروی کارگران  
می تواند فقط به يك محیط  
کاری مشخص محدود نگردد.  
یعنی در بسیاری از موارد  
فعالین و پیشروان کارگری قادر  
نیستند در يك محیط کاری  
تشکل خود را ایجاد نمایند و در  
واقع از حمایت وسیع کارگران بر  
خوردار نیستند. اما ممکن است

بتوانند با دیگر کارگرانی که در همین رشته صنعتی در دیگر کارخانه ها مشغول بکار هستند، تشکلی را ایجاد نمایند. مثلا کارگران پیشرو در کارخانه های متعدد داروسازی می توانند با متحد شدن و هماهنگی با یکدیگر نیروی خود را افزایش دهند و تشکل کارگران داروسازی ها را ایجاد نمایند. در چند سال گذشته ما شاهد مبارزات زیادی از جانب کارگران صنایع نساجی بودیم، اعتصاب و تجمع کارگران نساجی های چیت جهان شهر، کرج، نساجی قائم شهر، پرریس کردستان و ... اما با توجه به سرکوب و اخراجها و سطح مبارزات آنها قادر به ایجاد تشکل پایدار و فراگیری نشدند، اما چنانچه کارگران پیشرویی که در این کارخانه ها تلاش نمودند تشکل خود را ایجاد نمایند با هم، هم گام و متحد می شدند، احتمال ایجاد تشکل کارگران نساج به مراتب زیادتر می شد و ممکن بود جامع عمل بپوشد. در این رابطه نقش

فعالین کارگری متشکل در کمیته های کارگری و شورای همکاری می تواند موثر باشد. هر چند آنها در پاره ای از موارد با کارگرانی که اعتصاب و اعتراض نمودند ارتباط گرفتند و ضرورت ایجاد تشکل کارگری را برای آنها برجسته نمودند، اما با توجه به شرایط، چون تعداد کارگرانی که اقدام به این کار نمودند معدود بود و یا مورد تهدید و سرکوب قرار گرفتند نتوانستند تشکل خود را ایجاد نمایند، اما اگر بین همین تعداد کارگران با دیگر کارگران پیشرو در صنایع مشابه ارتباط برقرار می شد امکان ایجاد تشکل کارگری مشترک (مثلا تشکل کارگران نساجی ها) بسیار زیاد می شد. این نکته ای بود که ما تا حدودی از آن غافل بودیم و در سال 87 برای آن می توانیم مبارزه نمایم. همانطور که در بالا تر اشاره نمودم نمی توان الگویی واحد و یکسان برای ایجاد همه تشکلهای در نظر گرفت. نباید تصور نماییم که حتما باید تشکل در يك محیط



کارگری ایجاد گردد و سپس آنها می توانند با دیگر کارگران در صنایع هم رشته خود متحد شوند. شرایط ویژه و پلیسی در ایران ما را وادار می نماید که الگوها و راههای مختلفی را در دستور کارمان قرار دهیم. اگر مثلا 10 نفر در کارخانه چیت کرج، و همین تعداد در کارخانه نساجی قائم شهر و نساجی کردستان و پیریس که قادر نبودند در محیط کارخانه خود تشکیلشان را برپا نمایند در صورت متحد شدن می توانند شکل کارگران نساجی ها را ایجاد نمایند و سپس کارگران دیگر در محیط کارشان را جذب نمایند و باز هم تاکید می نمایم که نقش فعالین کارگری متشکل در کمیته های کارگری در این رابطه (جهت برقراری ارتباط) می تواند بسیار موثر و تعیین کننده باشد.

کمیته های کارگری از جمله شکل های دیگری است که می تواند در محیط های کار ایجاد گردد. بسیاری از کارگران پیشرو تلاش می نمایند تا شکل فرا

گیری در محیط کار ایجاد نمایند، اما با موانعی که ذکر شد مواجه هستند و تا کنون موفق نشدند تا به هدف خود برسند، آنها می توانند حتی با 3 نفر در محل کار خود کمیته کارگری ایجاد نمایند، که هم در مبارزات نقش فعالی داشته باشند و هم در راستای ایجاد تشکل فراگیر تری فعالیت نمایند. در واقع يك کمیته کارگری هر چند هم که كوچك باشد در يك محیط کار خود نوعی از تشکل است که قابلیت بال قوه تبدیل شدن به تشکل فراگیر و یا کمک کردن به آن را در خود دارد. کمیته های کارگری در شرایط کنونی یکی از قابل دسترسی ترین نوع تشکل کارگری هستند که در محیط های کار و با تعداد اندکی از کارگران می تواند ایجاد گردد و در خدمت سازماندهی مبارزه در محیط کار و ایجاد تشکل فراگیر قرار گیرد. در جنبش کارگری و در میان فعالین این نوع از تشکل کمتر شناخته و بکار گرفته شده است و ضروری

است برای آن نیروی بیشتری گذاشته شود.

شوراهای کارگری که یکی از عالی ترین نوع تشکلهای کارگری هستند، در سطح وسیع در شرایط برآمد جنبش و بخصوص دوره انقلاب شکل می گیرند و حتی قادرند قدرت سیاسی را نیز در دست گیرند. هر چند که شوراهای کارگران از هر نوع تشکل دیگر کارگری پیشرو تر و کاملتر است، اما شرایط شکل گیری آن فضای باز سیاسی است که در دوره انقلاب و یا در برآمد وسیع جنبش کارگری ایجاد می گردد. ضروری است فضایی ایجاد گردد تا کارگران بتوانند نمایندگان واقعی خود را آزادانه در محیط کار انتخاب نمایند و تحت تاثیر هیچ نیروی پلیسی قرار نگیرند. طبیعتاً چنین رویکردی لازمه اش بوجود آمدن روحیه انقلابی در میان کارگران است. هر چند که ما بنا به شرایط و سطح جنبش کارگری نمی توانیم شوراهای کارگری را در مقیاس سراسری و واقعی آن ایجاد نماییم ، اما

در مواردی خاص و استثنایی این امر ممکن می شود و ارزش زیادی دارد که نباید از آن غافل شد. در چند سال گذشته بنا به تدافعی بودن جنبش کارگری شوراهای نتوانسند بوجود بیایند ولی در مواردی معدود کارگران توانستند نمایندگان خود را انتخاب نمایند و شورای خود را هر چند تحت فشار ایجاد نمایند. کارگران تولید دارو و چند کارخانه دیگر از جمله مواردی بودند که طی چند سال گذشته این امر را تحقق بخشیدند و آنرا به دست آورد جنبش کارگری تبدیل نمودند. در مواردی کارگران با انتخاب نمایندگان واقعی خود (مثل کارخانه نیشکر هفت تپه) هر چند که نام شورا برآن نگذاشتند اما در عمل این نمایندگان رهبری مبارزات و مذاکرات را در دست داشتند و نمایندگی آنها تداوم داشته و این خود نوعی هر چند ضعیف از شوراهای کارگری است. ما می توانیم در جریان مبارزات در محیط کارمان ، نمایندگانمان را انتخاب و با

حمایت کارگران نقش آنها را فراتر از نمایندگانی موقت و کم‌اختیار ببریم. هر چند رژیم سرمایه داران همیشه نمایندگان کارگران را مورد تعرض و سرکوب قرار می‌دهد، اما با قدرتمند شدن کارگران و ایجاد ضمانت‌های حمایتی از جانب آنها می‌توان در مقابل این تهاجم ایستادگی نمود. اگر ما قادر باشیم با انتخاب نمایندگانمان در محیط‌های کار و یا در جریان يك اعتراض کارگری نقش آنها را پررنگ و ادامه‌دار نماییم، در واقع قادر شده ایم شورایی را بوجود بیاوریم که در آینده می‌تواند نقش به‌مراتب بیشتر از آنچه الان به عهده دارد، را بدوش بگیرد. هر چند که این شکل از شوراها بر مبنای سطح جنبش کارگری در شرایط کنونی قادر نیستند مطالبات سیاسی و یا مطالبات همه‌جانبه‌ای را مطرح نمایند، اما به هر شکل به نوعی مبارزات کارگران را سازماندهی و رهبری می‌نمایند. باید سعی نماییم در جریان انتخاب

نمایندگانمان در محیط کار ضمانت‌هایی را بین کارگران برای حمایت در صورت تعرض بکار ببریم. نباید سرمایه‌داری به راحتی و هر زمان که خواست بتواند نمایندگانمان را بازداشت و یا مورد پیگرد قرار دهد. یکی از اشکال ایجاد این ضمانت می‌تواند توسط خود نمایندگان ایجاد شود و با مشروط نمودن نمایندگیشان به حمایت کارگران در صورت بازداشت و پیگرد می‌تواند تحقق یابد.

### **سندیکای شرکت واحد**

با ایجاد سندیکای شرکت واحد توسط کارگران بدون مجوز از دولت و مبارزات واعتصابشان الگویی دیگر برای ما کارگران بوجود آمد، تا در هر جای ممکن از آن استفاده نماییم. تشکیلات سندیکایی کارگران شرکت واحد در همان سال اول از الگوهای رفرمیستی فاصله گرفت و هم برای رسمیت خود و هم در راستای مطالبه افزایش دستمزد اقدام به مبارزه‌ای رادیکال نمود و هر چند با سرکوب شدید مواجه شد، اما

به دیگر هم طبقه ایها یشان نشان دادند که می توان به نیروی خود تشکیلات ساخت و برای مطالبات مبارزه نمود. رویکرد سندیکای شرکت واحد در تاریخ مبارزه طبقاتی ایران ثبت شده و رهنمون عملی برای ما خواهد بود. هر چند دستگاه سرکوب بسیاری از راننده های شرکت واحد را وادار به جداشدن از سندیکا نمودند اما این سندیکا همچنان پابرجا است و در هر موقعیت دیگری می تواند مجددا بر آمد نماید.

با گذشت زمان موضع گیری های اخیر منصور اسانلو در تناقض با مبارزه رادیکال سندیکای شرکت واحد قرار گرفت. ابتدا با حمایت از سه جانبه گرایی برای تعیین دستمزدها ، عملا سیستم کاملا نابرابر تعیین دستمزد ( کمیسیون متشکل از، يك نماینده از جانب کارفرما، يك نماینده از جانب کارفرمای بزرگ یعنی دولت، و يك نماینده دروغین از جانب کارگران - نماینده شورا های اسلامی

کارخانه ها- ) را پذیرفت. اخیرا نیز با مصاحبه ای که در زندان با سایت نوروز انجام داده ( که البته امیدوارم واقعی نباشد ) شرکت در انتخابات مجلس اسلامی را توصیه نمود و راه نجات مملکت را رای دادن به دوم خردادی ها دانست. البته در مقابل آقای شهبازی دیگر عضو هیئت مدیره شرکت واحد ، در يك موضعگیری اصولی و رادیکال در مقابل این مصاحبه اظهار نظر نمود و نشان داد که جناح کارگری و رادیکال در سندیکای شرکت واحد هنوز وجود دارد. در نهایت طبیعی است که این تناقض در سندیکای شرکت واحد، تداوم و تکامل خواهد یافت و فعالین رادیکال جنبش کارگری در سندیکای شرکت واحد نباید همه دست اوردهای این تشکل و در واقع جنبش کارگری را کنار بگذارند و راه رفرمیستی احیا گران سندیکا ها را پی بگیرند. سندیکای شرکت واحد تا کنون با مبارزه برای ایجاد تشکل بدون مجوز و به نیروی خود

کارگران و با اعتصابی که اکثر کارگران را تحت تاثیر قرار داده شناخته شده، و ما امیدواریم از این پس نیز با چنین رویکردهایی شناخته شود که می تواند در خدمت پیشروی جنبش کارگری باشد.

اما ما فعالین جنبش کارگری نمی توانیم نسبت به تناقض بوجود آمده در سندیکای شرکت واحد بی تفاوت باشیم و ضروری است در حد توانمان رادیکالیسم آنرا تقویت نماییم و در مقابل رفرمیسم ان باید نقد های روشنگرانه ای انجام دهیم . فعالین سندیکای شرکت واحد باید بدانند که موقعیت و موضعگیری های آنها در سطح جنبش در حد خود موثر است و نمی توان نسبت به ان بی تفاوت بود.

### **کمیته های فعالین کارگری**

طی سه سال گذشته نقش کمیته های فعالین کارگری بیشتر شده و تغییر و تحولاتی در روند فعالیت آنها بوجود آمده است. رشد مبارزه طبقاتی باعث شد تا فعالین جنبش

کارگری نیز بتوانند خود را متشکل نمایند و نقش بیشتری در جنبش کارگری ایفا نمایند. گرایش راست و رفرمیستی که در قالب احیا گران سندیکا ها در حاشیه جنبش کارگری ایجاد شده بود، با رشد کمیته های کارگری بیش از پیش به حاشیه رفت و نتوانست نقش مهمی در جنبش کارگری ایفا نماید. رویکرد کمیته پیگیری... که با تقاضا از اداره کار برای برسمیت شناختن خود شروع شده بود، و رویکردی راست در مقابل ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران داشت به سرعت کنار زده شد. ایجاد اتحاد کمیته های کارگری و کمیته هماهنگی ... نقش کمیته ها را در روند جنبش کارگری بیشتر نمود. کمیته پیگیری در ابتدای حرکتش هر چند رویکرد راست را کنار زد اما وجه مشخصه دیگرش رویکرد انحصاری و سکتاریستی شد که نمی توانست همه فعالین جنبش کارگری را در خود جای دهد. در ابتدای راه این کمیته با نوع بر

خوردش بسیاری از فعالین کارگری را از خود راند و نتوانست ظرفی برای همه رادیکالهای جنبش کارگری باشد. اما این رویکرد هم ثابت نماند و با تغییر و تحولاتی که در آن بوجود آمد، بسیاری از عناصر سکتاریست از این کمیته خارج شدند و در نتیجه در موقعیتی بهتر از قبل قرار گرفت. از جمله شرکت کمیته پیگیری ... در شورای همکاری ... يك گام به جلو در این راستا بود. اما کمیته پیگیری در شرایط کنونی تنها ظرفی است که حد اکثر می تواند در راستای اتحاد عمل با دیگر فعالین جنبش کارگری گام بر دارد و نه بیشتر از آن و این يك نقطه ضعف این کمیته و مانعی برای پیشرویش محسوب می گردد. کمیته پیگیری بنا به ملاحظات و چار چوب نوشته نشده ای که دارد قادر نیست ظرفی برای اکثریت فعالین جنبش کارگری باشد و بیشتر فعالینی خاص و محدود را در بر می گیرد. کمیته پیگیری هر

چند به عنوان يك کمیته در خدمت جنبش کارگری است، اما فقط در حد يك کمیته باقی می ماند و چشم انداز تبدیل شدن به تشکلی فراگیر و پیوستن به دیگر تشکلهای را در خود ندارد.

کمیته هماهنگی ... که در مدت کوتاهی پس از تشکیل، تعداد اعضای آن به چند برابر دیگر کمیته ها رسید و هدفش کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران بود، به سرعت دچار بحرانی شد که بیش از يك سال است شدیداً با آن دست به گریبان است. رویکرد دو گرایش درون کمیته هماهنگی هر چند بطور موقت مانع پیشروی این کمیته در راستای هدفش شد، اما مباحث علنی فعالین آن و دیگر فعالین جنبش کارگری در ارتباط با تشکل ضد سرمایه داری، موضوعات بسیاری را آشکار نمود که در نهایت گام بزرگی در پیشروی جنبش کارگری به حساب می آیند. گرایش حکیمی که مبارزه ضد سرمایه داری را مساوی با جنبش

خودبخودی و در تقابل با احزاب سیاسی می دید طی يك پروسه مبارزه نظری بین فعالین جنبش کارگری کاملاً به حاشیه رفت و طرد شد. هر چند ظاهراً هنوز جدایی دو گرایش انجام نشده است اما عملاً اینکار انجام شده و اقلیت معدودی در دفاع از حکیمی از کمیته هماهنگی جدا شده اند تا حدود بسیاری این بحران را باید پایان یافته دانست. اما بسیار ضروری است که این کمیته به سرعت تجدید سازمان کند و از بحران طولانی که خمودگی بوجود می آورد بیرون بیاید. این چشم انداز وجود دارد که به سرعت و در ابتدای سال با برگزاری مجمع عمومی بحران پایان یابد و روند طبیعی خود را از سر گیرد. کمیته هماهنگی بنا به شرایط و موقعیتی که دارد دارای ظرفیتی بالا برای جذب نیروهای کارگری بیشتری است. در واقع اکنون نیز این کمیته چیزی فراتر از يك کمیته ده یا بیست نفره است و هم به دلیل تعداد بیشتر اعضایش و

هم به دلیل شرکت فعالین با نفوذ در این کمیته دارای توانی به مراتب بیشتر از يك کمیته کارگری است. همانطور که از نام این کمیته مشخص است، هدف اصلی کمک به ایجاد تشکلهای کارگری است. با پایان یافتن بحران این امید بوجود می آید که کمیته هماهنگی بتواند در این راستا فعالیت بیشتر و موثرتری انجام دهد. کمیته هماهنگی که در بعضی از شهرستانها نیز نفوذ دارد می تواند در راستای ایجاد تشکلهای کارگری و یا حد اقل طرح آن در جریان مبارزات کارگران نقش زیادی ایفا نماید. در این رابطه کمیته هماهنگی می تواند با برنامه ریزی دقیق و منسجم تبلیغ ضرورت ایجاد تشکلهای مستقل کارگری را در محیطهای کار انجام دهد و طبیعتاً نتیجه به مراتب بهتری نسبت به سالهای قبل بگیرد.

همانطور که اشاره نمودم کمیته هماهنگی چه بخواهد و چه نخواهد، از حد يك کمیته معمولی فراتر رفته و در واقع

خود نوعی تشکل فعالین کارگری است که جدا از دیگر تشکلهای طبقاتی کارگران نیست و فقط ویژگی های خود را دارد. کمیته هماهنگی ... با خارج شدن از بحران به سرعت قادر است تعداد اعضای خود را به چند برابر برساند. زیرا بسیاری از فعالین جنبش کارگری به دلیل حضور گرایش انحرافی حکیمی و دوستانش به این کمیته نپیوستند و از سوی دیگر در انتظار پایان یافتن بحران بوده و هستند. کمیته هماهنگی ... نیز با وجود بحران تقاضاهای بسیاری برای عضویت داشت اما چند ماهی است که بدلیل بحران موجود از پذیرفتن اعضای جدید خودداری نموده است. به هیچ وجه نباید تصور نمود که پیوستن اعضای جدید منافاتی با ایجاد تشکلهای کارگری دارد. بلکه بل عکس با پیوستن بسیاری از فعالین جنبش کارگری به این کمیته نیرویی قوی تر و بزرگتر در راستای ایجاد تشکلهای کارگری در محیطهای کار ایجاد

خواهد شد. اگر ما به اندازه کافی فعالین کارگری را در هر منطقه و شهری داشته باشیم قادریم در همه اعتراضات کارگری حضور یابیم و رهنمودهای لازم برای ایجاد تشکل کارگری را به میان کارگران ببریم.

به اعتقاد من این چشم انداز وجود دارد که بلا فاصله پس از پایان بحران" اتحاد کمیته های کارگری" که در یکی دو سال گذشته بدلیل اینکه بیشترین نیرویش در شورای همکاری ... صرف شده و تا حدودی نقش کم رنگی در جنبش یافته است به کمیته هماهنگی .. بپیوندد. اما آنچه که ظرفیت به مراتب بیشتری برای کمیته هماهنگی ایجاد نموده است امکان پیوستن نه فقط فعالین کارگری، بلکه امکان پیوستن بخشی از کارگران پیشرو( کارگرانی که در محیطهای کارنقش پیشرویی در مبارزات و رهبری اعتراضات دارند ) به این کمیته است. با توجه با خلاء موجود در جنبش کارگری در ارتباط با تشکل



فراگیر، کمیته هماهنگی .. می تواند ظرفی باشد برای بسیاری از کارگران پیشرو که در محیط کار خود هنوز قادر به ایجاد تشکل نیستند. در واقع ارتباطات قابل توجه اعضای کمیته هماهنگی می تواند این مسئله بسیار با اهمیت را به عمل تبدیل نماید. البته کارگران پیشرو شامل هزارن نفر و یا حتی بیش از يك میلیون نفرند و در این مورد فقط بخش کوچکی از آنها ممکن است جذب شوند. طبیعی است که بهیچ وجه نباید کمیته هماهنگی جای دیگر تشکلهایی که ممکن است در محیط کار بوجود بیایند را بگیرد و اساسا هم این رویکرد و نگاه در کمیته هماهنگی.. وجود ندارد و منظور فقط امکان پیوستن کارگران پیشرویی است که بطور پراکنده در کارخانه های مختلف کار می کنند و با پیوستنشان به کمیته هماهنگی و با کمک دیگر اعضا امکان ایجاد تشکل در محیط کارشان چند برابر بیشتر می گردد. در صورت پیوستن بخشی

از پیشروان کارگری به کمیته هماهنگی ... پل ارتباطی بین کمیته و جنبش کارگری به مراتب بزرگتر می گردد و در راستای بیرون آوردن جنبش از شکل خودبخودی آن نیز می تواند بسیار موثر باشد. در چنین موقعیتی امکان ایجاد تشکلهای در محیط کار به مراتب بیشتر می گردد و کمیته هماهنگی می تواند حضور عملی بیشتری در جنبش کارگری داشته باشد.

همه نکات ذکر شده فوق در مورد کمیته هماهنگی ... مسائلی قابل تحقیق در سال 87 می باشند مشروط بر آنکه بر آنها آگاه باشیم و برای همه آنها مبارزه ای با برنامه انجام دهیم. کمیته هماهنگی می تواند در سال 87 به وزنه ای در جنبش کارگری تبدیل گردد و نقش به مراتب بیشتری از آنچه اکنون دارد را بر عهده بگیرد.

"کمیته دفاع از محمود صالحی" که پس از حکم زندان او ایجاد شد، در يك سال گذشته هم در زمینه خبر رسانی و هم

افشاگری نقش فعالی ایفا نمود و وضعیت محمود صالحی را لحظه به لحظه بگوش مردم و بسیاری از کارگران رساند. البته مبارزه برای آزادی محمود صالحی فقط به کمیته دفاع ... خلاصه نشد و نمی شود و بنا به شرایط وی، وضعیتش همواره در راس تبلیغات جنبش کارگری قرار داشت در داخل و خارج کشور بیشترین فعالیت برای فشار آوردن به رژیم انجام گردید. او بعنوان یکی از رهبران عملی جنبش کارگری چهره ای جهانی شد و همه اینها در نتیجه فعالیت مستمر و ارزشمند همه دلسوزان جنبش کارگری ایران انجام گردید. همانطور که اشاره نمودم "کمیته دفاع ... " سهم قابل توجهی در این رابطه ایفا نمود که نمی توان به سادگی از آن گذشت. البته مبارزه برای آزادی از زندان فقط به محمود صالحی خلاصه نشد و تبلیغاتی که در مورد تمامی دیگر زندانیان، از اسانلو گرفته تا دانشجویان زندانی در حد خود موثر و

ارزشمند بوده است. طبیعتاً مدافعان سرمایه داری فقط در مقابل افشاگری و تغییر شرایط بوده که تا حدودی مجبور به عقب نشینی هایی در این زمینه شده اند. اما نکته قابل بحث در اینجا نقش کمیته دفاع ... است. پس از همه افشاگری ها و تلاشهایی که این کمیته برای آزادی صالحی انجام داد، در ابتدای سال و با اتمام مدت محکومیت محمود صالحی، فراخوان تجمعی از طرف این کمیته در مقابل زندان سنندج و سپس در مقابل دادسرا داده شد که با وجود شرایط تعطیلات و مشکل خیر رسانی با استقبال نسبتاً خوبی مواجه گردید و بزرگترین گام ممکن در راستای فشار آوردن برای آزادی محمود صالحی برداشته شد. این کمیته توانست تا حدودی دیگر فعالین کارگری را از دیگر شهرها نیز به تجمع فرا بخواند و بدین شکل همبستگی بیشتری بین فعالین کارگری شکل گرفت. طبیعتاً این شکل از مبارزه تا آزادی محمود

۸۷ می توانیم سپر دفاعی برای فعالین جنبش کارگری ایجاد نماییم و این يك گام عملی با ارزش و رو به جلو در جنبش کارگری خواهد بود.

" اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار" در واقع نه در حد و اندازه واقعی نامی که دارد بلکه بعنوان یکی از کمیته های فعالین کارگری، در این مدت فعالیتش با دو مشخصه باید شناخته شود. اول رویکردی است که با فاصله گرفتن از دیگر کمیته ها و فعالین کارگری شناخته می شود. آنها در ابتدای فعالیتشان و با ایجاد شورای همکاری... حاضر نشدند به این شورا بپیوندند و با آن همکاری نمایند. با وجود آنکه در پروسه حرکت شورای همکاری ... و بخصوص در جریان اول ماه مه سال گذشته این شورا ثابت نمود که می تواند در خدمت جنبش کارگری، منشاء اثر باشد، اما تا کنون به شورا نپیوسته و از طرف دیگر هیچگونه همکاری و اتحاد عملی از جانب آنها با دیگر فعالین جنبش

صالحی ادامه خواهد یافت، اما آنچه را که در رابطه با کمیته دفاع ... باید الگو و چشم انداز قرار داد، نقش این کمیته در ارتباط با زندانی بودن يك فعال کارگری است. پس از آزادی محمود صالحی این کمیته می تواند به کمیته دفاع از کارگران زندانی تبدیل گردد و یا الگوهای مشابهی را در این رابطه می توان ایجاد نمود. اگر ما بتوانیم کمیته دفاع از کارگران زندانی داشته باشیم تا همانند کمیته دفاع از محمود صالحی و حتی فراتر از آن بتواند برای آزادی کارگران زندانی فعالیت نماید گام بزرگی در راستای مقابله با تهاجم رژیم بر داشته ایم. البته مبارزه برای آزادی محمود صالحی که خود به یکی از محورهای مبارزه جنبش کارگری تبدیل شده است را باید تا آزادی او پیگیری نمود و در نهایت با تکامل این الگو می توان ابزار قوی تری در مبارزه علیه سرمایه داران بوجود بیاوریم. با ایجاد کمیته ای برای دفاع از کارگران زندانی در سال

کارگری دیده نشده و این نقطه ضعف این تشکل به حساب می آید و فقط باید امیدوار بود که فعالین این تشکل بتوانند با این رویکرد برخورد نمایند و رویکرد جنبشی را مبنای حرکت خود قرار دهند. از سوی دیگر با ابتکار آنها در خصوص جمع آوری امضاء برای افزایش دستمزد مناسب حرکت مثبتی در جنبش کارگری ایجاد نمودند، که نه تنها باید مورد حمایت دیگران قرار گیرد، بلکه می تواند ابتکاراتی که در جنبش کارگری منشاء اثر است و کارگران بسیاری را دخیل حرکت جنبشی می نماید. این ابتکار دایره عمل را از فعالین جنبش کارگری فراتر برد و کارگران بسیاری پای در خواست افزایش دستمزد را امضاء کرده و می کنند.

"شورای همکاری تشکلهای و فعالین کارگری" همچنان ظرفیت اتحاد عمل فعالین کارگری باقی خواهد ماند. اما در سال 87 چشم انداز قوی تر شدن این

اتحاد عمل و گسترش آن وجود دارد. با شکل گیری شورای همکاری بسیاری بر این باور بودند که این همکاری و اتحاد عمل دوامی نخواهد داشت و شکست خواهد خورد. اما با وجود تمام مشکلات و موانع این شورا در حد خود در رابطه با اتحاد عمل موثر و مفید بود. با گذشت زمان شورا جای پای خود را محکم نموده و این باور که شورای همکاری ... میتواند مرکز اتحاد عمل فعالین کارگری باشد تا حدود قابل توجهی بوجود آمده است. برای برگزاری مراسم اول ماه مه، بیشتر نگاهها به جانب شورای همکاری متمرکز می شود و در واقع هر روز نقش عملی این شورا در جنبش کارگری می تواند بیشتر از پیش باشد.

شورای همکاری نه فقط در جبهه مبارزه عملی میتواند فعال بماند بلکه با برجسته نمودن ضرورت اتحاد عمل و بحث پیرامون آن می تواند هر چه بیشتر فعالین کارگری را بیکدیگر نزدیک نماید و عده

بیشتری از فعالین کارگری را می‌تواند جذب خود کند.

از سوی دیگر با توجه به پلیسی‌تر شدن شرایط و تجربه تهاجم دستگاه امنیتی رژیم به دانشجویان، شورای همکاری... و دیگر کمیته‌های کارگری بیشتر از پیش در معرض تهاجم قرار دارند که نباید از این مسئله غافل بود. در چنین شرایطی ضرورت تلفیق بیشتر کار مخفی با فعالیت علنی برجسته می‌شود و برای تداوم فعالیت نمی‌توان همه کس و همه فعالیتها را علنی نمود. همانطور که قبلا هم اشاره نمودم، بنا به مسئله توازن قوا که هنوز به نفع ما نیست و متشکل نبودن کارگران، همواره ما ضربه پذیر هستیم و این واقعیت را در هر گام عملیمان نباید فراموش کنیم. اتخاذ تاکتیکهایی متناسب با واقعیت و توانمان ما را هر چه بیشتر در مقابل تهاجم محفوظ نگه میدارد. به همین نسبت که جناح رادیکال جنبش کارگری فعالتر و قوی‌تر شده،

حساسیت حامیان سرمایه داری نیز بیشتر می‌گردد. بنا بر این باید بر مبنای سطح جنبش کارگری حرکت نماییم و همواره رعایت مسائل امنیتی را حتی در تشکلهای کارگری و شورای همکاری فراموش ننماییم.

### **جنبش کارگری در کردستان**

بدون شك جنبش کارگری در کردستان پیشتاز جنبش کارگری در ایران است و گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری نفوذ قابل توجهی دارد. جنبش کارگری در کردستان جای پای محکمی دارد که حاصل مبارزه حاد طبقاتی و نفوذ گرایش سوسیالیستی است. سالها فعالیت و سازماندهی و مبارزه عیله جریانات انحرافی و ناسیونالیست جنبش کارگری را بیش از پیش دارای بار رادیکال و انقلابی نموده است. اما هنوز در موقعیت تعرض و تهاجم همه جانبه به سرمایه داری قرار ندارد و ضروری است راههای

پیشروی هر چه بیشتر را بطور واقعی بررسی نماییم. یکی از عواملی که می تواند جنبش کارگری را در مقابل سرمایه داری مقاوم نماید و امکان پیشروی به آن بدهد بی شك متشکل شدن است. هر چند در كردستان گرایش سوسیالیستی خود بخشی از جنبش کارگری را متشکل نموده است، اما با توجه به شرایط ضروری است تشکلهای توده ای کارگری ایجاد گردد که بسیاری از کارگران را حول مطالبات اقتصادیشان بسیج نماید. کمیته هماهنگی در كردستان اعضای قابل توجهی دارد اما این کمیته نمی تواند جای همه تشکلهای ضروری کارگران را بگیرد و بیشتر امکان قویی در خدمت متشکل نمودن دیگر کارگران است. هر چند که سطح جنبش کارگری در كردستان بالاتر از دیگر مناطق است اما ویژگی های دیگری نیز وجود دارد که بدون در نظر گرفتن آنها، ایجاد تشکلهای توده ای در كردستان ممکن نخواهد بود. كردستان

منطقه ای صنعتی نیست و در آنجا فقط چند کارخانه وجود دارد. هر چند در همین کارخانه ها اعتراضات و اعتصابات بسیاری داشتند اما همچنان فاقد تشکل می باشند و داشتن چند نماینده برای آنها کافی نیست. در آنجا می توان تشکل کارگران نساجی را به کمک فعالین کارگری و کمیته همانگی منطقه غرب ایجاد نمود. و همچنین در دیگر کارخانه ها امکان کمک به ایجاد تشکل کارگری فراهمتر از دیگر مناطق است. اما آنچه که به ویژگی های منطقه كردستان باز می گردد همانا صنعتی نبودن این منطقه است. بسیاری از کارگران که حتی نیروهای متخصصی هم هستند برای کار مهاجرتهای فصلی به دیگر مناطق انجام می دهند. بسیاری کارگران بیکار و عده ای کارگران خدماتی پراکنده در شهر هستند. بیکاری پنهان بسیاری از کارگران را برای امرار معاش به دست فروشی و یا شغل های کاذب کشانده و خیل

عظیمی از نیمه پرولترها را بوجود آورده است. تعداد زیادی از کارگران در روستاها با اجاره زمین های کشاورزی و یا کار بروی زمین دیگران اموراتشان می گذرد و کشاورزان تهی دست بسیاری نیز در کنار کارگران وجود دارند که دارای منافع نزدیکی به کارگران هستند. بنا به این ویژگی، با وجود سطح بالای مبارزه در کردستان بیشتر کارگران متشکل نیستند و در نتیجه به روند مبارزه آنها لطمه وارد شده و پراکندگی زیادی وجود دارد. همانطور که گرایش سوسیالیستی به درستی و بر مبنای رویکرد انقلابی پیش آلترو ناتو جنبش را در کردستان حکومت شوراهای قرار داده است، ضروری است امکان تحقق انرا با توجه به شرایط و ویژگی های کردستان بررسی نماییم. هر چند در کردستان کارگران صنعتی زیادی وجود ندارند و این نقطه ضعف جنبش کارگری انجا است، اما همانطور که گفته شد سطح بالای جنبش کارگری

می تواند این نقطه ضعف را جبران نماید. می شود در محلات کارگری، شوراهای محلات ایجاد نمود. این شوراها می توانند ظرف مناسبی برای مبارزه و پیگیری مطالبات کارگران پراکنده باشند. چنین شوراهایی، کارگران پراکنده را منسجم و متحد می نماید و می تواند مطالبات عمومی آنها را مطرح نماید. این شوراها می توانند فراتر از مطالبات محل حرکت کنند و مطالباتی مثل افزایش مناسب دستمزد و لغو قرار دادهای موقت و ... را نیز پیگیری نمایند. ایجاد چنین شوراهایی ارتباط بین کارگران را افزایش می دهد و نیروی قابل توجهی را بسیج می نماید تا به صحنه عملی مبارزه بیایند. حتی مبارزه برای ایجاد شوراهای محلات در میان کارگران تحرك ایجاد خواهد کرد و تاثیر مثبتی بر آنها بجا می گذارد. مبارزه طبقاتی در کردستان بنا به شرایطی که در کردستان دارد شدیداً نیازمند چنین ظرفی است تا بتواند

پراکندگی ناشی از غیر صنعتی بودن را جبران نماید. بسیاری از کارگران حتی دارای شغل رسمی در این منطقه نیستند و عده ای کارگران باربری هستند که در استخدام قاچاقچی ها قرار دارند و اساسا کارشان قانونی نیست. عده ای برای امرار معاش و بدست آوردن لقمه نانی مبادرت به خرید و فروش گازوییل و بنزین قاچاق می کنند، اینها نیمه پرولتر هایی هستند که راه چاره دیگری برای امرار معاش ندارند . کارگران زیادی در کردستان چند ماهی را در دیگر استانها کار می کنند و بیشتر در پروژه های عمرانی بعنوان آرماتوربند، قالب بند، کارگر ساده و ... مشغول بکارند و خانواده هایشان در کردستانند و خودشان در مدت بیکاری و استراحت در کردستان هستند. تعداد بیکاران نیز در کردستان زیاد است. طبیعتا همه اینها را نمی توان در محیط کارشان متشکل نمود و شوراهای محلات در کردستان می تواند

ظرف مناسبی برای آنها باشد. اما اراده گرایانه نمی توان همه اینها را تحقق بخشید و باید ویژگی های هر محل و شهری را نیز در نظر داشت. ممکن است در يك شهر كوچك بتوان يك شورای کارگری شهر ایجاد نمود و یا در بعضی شهر ها و محلات ممکن است قادر نباشیم تا شورایی ایجاد نمایم، زیرا صرفا اراده گرایانه نمی توان در همه مناطق کردستان شورا ها را ایجاد نمود. در بعضی مناطق زمینه لازم برای ایجاد شوراها وجود ندارد و ضروری است جنبش پیشروی بیشتری انجام دهد تا بستر مساعد ان بوجود بیاید، لذا باید ابتکار دیگری بکار گیریم.

کمیته های کارگری محلات ویا شهر های کوچک و روستا ها می توانند جایگزین خوبی برای ان موارد و مناطقی باشند که بلفعل امکان ایجاد شوراهای کارگری وجود ندارند. کمیته های کارگری محلات و یا هر منطقه ای در دسترس ترین



کمیته هماهنگی باشند و چه مستقل از ان در نهایت در خدمت به پیشروی جنبش کارگری سهم بسزایی می توانند ایفا نمایند. ایجاد کمیته ها و شوراهای کارگری را در مناطق کردستان بهیچ وجه نباید دور از دسترس و یا کم اهمیت قلمداد نمود. در صورت ایجاد شورا ها و کمیته ها محلات و شهرها و روستا ها جنبش کارگری دارای ریشه ای قوی و محکم خواهد شد و در آینده مبارزه طبقاتی توازن قوا را به نفع کارگران می تواند تغییر دهد. در کردستان امامدگی ذهنی برای تشکل پذیری کارگران وجود دارد و بیشتر باید اشکال مناسبی با توجه به شرایط و محیط برای ان یافت. با توجه به غیر صنعتی بودن و پراکندگی کارگران در کردستان الگوی ایجاد کمیته های کارگری می تواند تا حدود بسیاری این پراکندگی را به حد اقل رسانده و به کارگران تحرك ببخشد.

**افق زنان کارگر در جنبش زنان**

شکل بر قراری ارتباط بین فعالین کارگری است و خود نوعی تشکل است که هم می تواند با شورا ها همکاری نماید و هم با دیگر کمیته ها، طبیعتا کمیته کارگری تشکلی است که در مقایسه با شورا در سطحی پایینتری قرار دارد و بر ایند رای و دخالت همه کارگران در يك منطقه نیست، اما ظرفی است که با توجه به شرایط می تواند بخوبی در خدمت جنبش کارگری قرار گیرد. از یکسو می تواند هم مخفی باشد و هم نیمه مخفی و نیمه علنی. هم می تواند در تلاش و مبارزه برای ایجاد شورا باشد و هم خود نوعی تشکل است که در وضعیت فعلی بکار می آید. در این رابطه کمیته هماهنگی منطقه غرب و یا دیگر فعالین جنبش کارگری می توانند نقش قابل توجهی داشته باشند. کمیته منطقه غرب کمیته هماهنگی، ممکن است بتواند تعداد بیشتری کمیته رادر مناطق کردستان ایجاد نماید و البته چه این کمیته ها در

جنبش زنان در ایران همانند جنبش کارگری و دیگر جنبشها از سال 80 به بعد پیشروی‌ها و نمودهای اجتماعی قابل توجهی داشته است. اما آنچه این جنبش را جدا از ویژگیهایش از جنبش کارگری دور کرده است، موقعیت پوپولیستی آن است. هر چند که گرایشات مختلفی در این جنبش وجود دارد و فعالین سوسیالیست نیز در آن نقش قابل توجهی دارند اما بدلیل نداشتن صف مستقل و ظرف تشکیلاتی خاص خود، موقعیت محسوس و برجسته ای ندارند. نیروهایی که طیف گسترده‌ی جریانات پوپولیستی راتشکیل می دهند و حتی گرایشات لیبرالی که نگاه غیر طبقاتی را در جنبش زنان تبلیغ می نمایند به عنوان مدافعان کمپین يك میلیون امضاء صف ارایی نموده اند و در نتیجه از موقعیت متشکلاتر و با برنامه تری برخوردارند. مطالبات مدافعان کمپین يك میلیون امضاء از اصلاحات در چارچوب نظام فراتر نمی رود و فقط

بخشا قوانین حقوقی را زیر سؤال برده و نمی تواند فراتر از آن برود. اما زنان کارگر نیازمند طرح مطالباتی بسیار فراتر از آنچه کمپینی‌ها مطرح می کنند هستند.

می توان حول مطالبه لغو حجاب اجباری بسیج شد. این مطالبه ای است که هم فراتر از اصلاحات در قوانین اسلامی است و هم مطالبه ای اجتماعی و واقعی است. از سوی دیگر مطالبه زنان کارگر و رهایی زنان بطور کلی ریشه در ساختار و روابط سرمایه داری دارد، که تحت حاکمیت قوانین قضایی ایران این مسئله شکل و ابعاد به مراتب پیچیده تری به خود گرفته است. در ایران حدود 14 درصد زنان شاغلند و این آمار عمق فاجعه را نشان می دهد. بسیاری از زنان نیز با وجود کار برابر دستمزد بسیار نازلتری دریافت می کنند و از شرایط به مراتب بد تری به نسبت مردان برخوردارند. بر این مبنا طرح مطالبه شرایط اقتصادی برابر با مردان نیز نه

تنها مطالبه اکثریت زنان می باشد، بلکه مناسبات و روابط سرمایه داری را نیز زیر سؤال می برد. این واقعیت که سرمایه داری حتی در پیشرفته ترین شکل خود قادر نیست وضعیت اقتصادی زنان را کاملا با مردان برابر نماید، در شرایط حاکمیت سرمایه داری ایران چند برابر محسوستر و پررنگتر است و لذا می توان با بسیج زنان در این مورد نیز صف مستقلی در مقابل نظریه پردازان لیبرال جنبش زنان ایجاد نمود و برای رهایی واقعی زنان به همراه جنبش کارگری مبارزه ای را سازمان داد. چشم انداز مبارزه در جنبش زنان این امکان را بوجود آورده تا گسست از لیبرالیسم در دستور کار فعالین سوسیالیست قرار گیرد و در جنبش زنان با رویکردی دیگر فعالیت نمایند.

هر چند تعداد زنان کارگر متشکل در کمیته های کارگری زیاد نیست اما با يك رویکرد مناسب می توان بخشی از فعالیت کمیته ها را برای جنبش

زنان کارگر اختصاص داد تا به موازات مبارزه برای جنبش کارگری به مسائل جنبش زنان نیز پرداخته شود و بدین شکل نگاه طبقاتی بودن جنبش زنان را پررنگ نمود. زنانی که خود فعال کارگریند با سازماندهی بخشی از تشکل فعالین کارگری کمیته ها می توانند در هر دو جبهه مبارزه طبقاتی ( جنبش کارگری و جنبش زنان) فعالیت نمایند و بدین شکل بار رادیکال مبارزه کارگری را افزایش دهند. بسیاری دیگر از زنان کارگر و مزد بگیر که بطور مستقل ویا در جمعهای دمکراتیک فعالیت دارند، با ارتباط گیری هر چه بیشتر با جنبش کارگری و فعالین کارگری متشکل در کمیته ها قادرند بار مبارزه جنبش زنان را هر چه بیشتر رادیکال نمایند. نباید بین جنبش زنان و جنبش کارگری دیوار چینی کشید و نباید تصور نمود که این دو مبارزه می تواند جدا از هم و بدون ارتباط با هم جریان داشته باشد. هر چه جنبشهای دمکراتیک و از جمله

جنبش زنان از جنبش کارگری فاصله بیشتری داشته باشد، امکان نفوذ لیبرالیسم در آن بیشتر خواهد بود. ارتباط جنبش زنان با جنبش کارگری نه تنها استقلال جنبش زنان را زیر سوال نمی برد، بلکه باعث تقویت هر دو جنبش خواهد شد. حمایت متقابل جنبشهای کارگری و جنبش زنان از یکدیگر به پیشروی هر دو کمک قابل توجهی خواهد نمود. جنبش زنان برای پیشرویش می بایست در چند جبهه مبارزه نماید. از یکسو مبارزه برای لغو قوانین ارتجاعی، از سوی دیگر مبارزه برای برابری اقتصادی با مردان و بالاخره مبارزه در داخل جنبش زنان برای ثابت نمودن این واقعیت که رهایی زنان در گرو نابودی مناسبات سرمایه داری است. لیبرالیسم تمام تلاش خود را می کند تا جنبش زنان را از جنبش کارگری جدا نماید و هر گونه رنگ و بوی طبقاتی را از آن بگیرد. لیبرال فمینیستها با ارائه تئوری زنان بمثابة يك طبقه، سعی دارند

آنها را جدا از مناسبات واقعی طبقاتی موجود نشان دهند و مانع آن شوند که زنان در مبارزه طبقاتی رو به رشد شرکت نمایند. باید هر چه بیشتر این واقعیت را ثابت نمود که زنان کارگر قادرند هم در جنبش زنان فعال باشند و هم در جنبش کارگری و این دو را نه متناقض هم بلکه مکمل یکدیگر باید دانست.

زنان کارگر می توانند در جمعهایی مثل "شورای همکاری شکل ها و فعالین کارگری" نماینده داشته باشند و ضمن استقلال تشکیلاتی خود با فعالین کارگری نیز در ارتباط باشند. آنها می توانند با اتحاد عمل با فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان را تقویت نمایند و باید هر چه بیشتر این واقعیت را برجسته نمود که جنبش کارگری جنبشی مردانه نیست و باید کارگران بدانند که بدون حضور زنان در جنبش کارگری موفقیت ممکن نمی باشد.

محمد حسین 15 فروردین

ادامه اخبار کارگری:

## گزارش برگزاری مراسم اول ماه مه در سنندج

می خورد. در ادامه این مراسم قطعنامه کمیته بر گزار کننده ، توسط یکی از حاضرین قرائت گردید . مراسم با استقبال خوب مردم حاضر و کارگران فصلی که در محل حضور داشتند روبرو شد. در حاشیه مراسم چهار نفر از کارگران به نامهای : شیوا خیر آبادی ، سوسن رازانی ، غالب حسینی و عبد الله نجا ر توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. لازم به ذکر می باشد ، بروشورهای ویژه یک می 2008 "شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری" در سطح شهر و در بین کارگران توزیع گردید.

روز پنج شنبه 12 اردیبهشت ماه سال 87 برابر با 1 می 2008 در پی فراخوان کمیته برگزار کننده ، ساعت 10/30 دقیقه صبح در چهار راه سیروس سنندج ، جنب سازمان تامین اجتماعی ، تجمعی با شرکت بیش از صد نفر از کارگران برگزار گردید . در این مراسم شعارهای : " کارگر، دانشجو، معلم اتحاد اتحاد" - "کارگران جهان متحد شوید" - "تشکل تشکل حق مسلم ماست" ، " علیه فقر و تبعیض بپا خیز بپاخیز" و... به چشم

**تا ایجاد سایت جدید "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، کلیه نوشته ها و اطلاعیه های این کمیته، از طریق وب سایت کمیته دفاع از محمود صالحی انتشار می یابد .**

[www.kdmahmodsalehi.blogfa.com](http://www.kdmahmodsalehi.blogfa.com)

## گزارش برگزاری مراسم اول ماه مه کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه با تجمع چند صد نفره در محوطه کارخانه ، مراسم روز کارگر را جشن گرفتند. ابتدا یکی از کارگران تاریخچه اول ماه مه را قرائت کرد و در مورد مبارزات کارگران شیکا گو برای کاهش ساعات کار به 8 ساعت کار در روز توضیحاتی داد. سپس کارگران در باره مطالباتشان و مبارزاتشان در کارخانه نیشکر هفت تپه حرف زدند . در انتهای برنامۀ قطعنامه قرائت شد. که مطالبات کارگران از جمله مطالبه ایجاد تشکل (بخصوص حق ایجاد تشکل مستقل کارگران نیشکر هفت تپه) ، حق اعتصاب ، لغو قراردادهای موقت ، امنیت شغلی ، دستمزد برابر زنان کارگر با مردان، تعطیلی رسمی روز کارگر، ضرورت حمایت از تولید داخلی شکر و مبارزه با مافیای وارد کننده شکرو ... بند های قطعنامه بودند.

## آزادی بهروز کریمی زاده را به جنبش دانشجویی و جنبش کارگری تبریک گوییم!!!

تنها پس از گذشت چند ماه از بازداشت دانشجویان ، صرفاً به خاطر برگزاری مراسم روز دانشجو، تعدادی از دانشجویان از جمله بهروز کریمی زاده ، تحت شدیدترین فشارهای روحی و جسمی قرار گرفتند. اما در نهایت با اعتراض دانشجویان و کارگران بیشتر آنان، از جمله بهروز کریمی زاده آزاد شدند. ما آزادی این عزیزان را به همه ی دانشجویان، کارگران و آزادیخواهان تبریک می گوییم و خواهان آزادی بی قید و شرط همه ی دانشجویان و کارگران زندانی هستیم.

**کتاب "یک قرن  
مبارزه طبقاتی  
در ایران"  
( جلد اول )  
منتشر شد.**

تالیف: محمد حسین

جهت دریافت به  
سایت های کارگری  
مراجعه نمائید .

کارگران آگاه و  
مبارز!  
با ارسال مقالات  
، گزارشات و اخبار  
کارگری نشریه  
جنبش کارگری را  
یاری نمائید .

آدرس تماس با  
کمیته هماهنگی:

[Komite.hamahangi  
@yahoo.com](mailto:Komite.hamahangi@yahoo.com)